

طرد اجتماعی جوانان؛ ابعاد و شاخص‌ها (مطالعه ای در شهر تهران و حاشیه)

مریم قاضی نژاد^۱

چکیده:

مقاله حاضر برگرفته از پیمایشی میدانی در زمینه طرد اجتماعی جوانان در ایران است که با هدف بررسی ادبیات نظری و نیز سنجش تجربی میزان و ابعاد طرد اجتماعی و شرایط و عوامل زمینه ساز آن در جمعیت جوان شهری تهران و حاشیه با نمونه ای به حجم ۱۲۰۰ نفر به اجرا درآمده است. رهیافت و مفهوم نوین طرد اجتماعی، چارچوب پژوهشی در عرصه تحقیقات نابرابری، فقر و محرومیت های اجتماعی مزمن به روی محققین مسائل اجتماعی گشوده است که بر مبنای آن وجوه پیدا و پنهان مسئله طرد در گروه های در معرض خطر من جمله جوانان، در گستره ای وسیعتر بطور سیستماتیک و دقیقتر قابل سنجش خواهد بود.

در چشم انداز طرد اجتماعی، افراد گروهها و مناطق مطرود، برحسب شرایط، حوادث و خصائصی معین (متفاوت) بصورت انباشتی و مزمن از جریان اصلی توزیع منابع و فرصتهای اجتماعی جدا و در حاشیه قرار می گیرند، بطوریکه خلاصی از این وضعیت (تله طرد) امری فرافردی و نیازمند اقدامات اصلاحی و مداخلات ادغامی در سطح اجتماعی و سیستمی خواهد بود.

یافته ها و نتایج حاصل از بررسی، که در دوبخش توصیفی و تحلیلی در مقاله ارائه گردیده اند، نشان می دهد حدود نیمی از نوجوانان و جوانان مورد مطالعه، اعم از دختر و پسر، در گستره وسیعی از جوانی (۱۵-۲۹ سال) و انتقالهای اساسی مربوط به آن، در تهران و شهرهای حاشیه، در خطر طرد اجتماعی "بالاتر از حد متوسط" قرار داشته و در حال حاضر در وضعیت محدودیتهای چندگانه و مزمن عینی و ذهنی، بسر میبرند. گستره شاخص طرد ذهنی بیش از طرد عینی بوده و بغیر از سن، تابع سایر عوامل خطرزا (جنسیت و محل اقامت پاسخگویان) نیست. در مقابل، طرد عینی علیرغم رابطه معنی دار با متغیرهای سن و محل اقامت، در غالب ابعاد جنبه فراجنس داشته است.

کلید واژه ها: طرد اجتماعی، طرد عینی، طرد ذهنی، جوانان و نوجوانان، مناطق

شهری، جنسیت

^۱ - عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا maghazinejad@yahoo.com

طرح مساله و اهمیت موضوع:

جوانان سرمایه های انسانی اصلی برای اهداف توسعه ملی در کشورهای موسوم به جوامع در حال توسعه بوده و در عین حال از بزرگترین چالشهای پیش روی جوامع مذکور در جریان رشد و گذار به توسعه یافتگی محسوب می شوند. ظهور حجم وسیعی از جمعیت جوان، اعم از دختر و پسر و حضور ملموس آنان در جامعه، بدنبال افزایش نرخ های باروری در مقاطع زمانی قبل، در حال حاضر این گونه کشورها را با مسئله جدی و خطیر تامین نیازهای گوناگون آنان، بویژه مشکل انتقال های اساسی گروه سنی ۱۵-۲۹ سال، بعنوان گروه هدف اصلی^۱ در حوزه سیاست و رفاه اجتماعی، مواجه ساخته است.

مطالعات و شواهد موجود نیز حاکی از آن است که در حال حاضر، شمار کثیری از جوانان در این کشورها (خاورمیانه) به دلایل مختلف، من جمله، عدم برنامه ریزی و تمهیدات لازم نسلی برای آنان، از دایره شمول اجتماعی کامل و واقعی بیرون مانده و مسئله عدم ادغام یا تجربه طرد اجتماعی^۲، به شیوه های مختلف زندگی و آینده آنان و جامعه شان را تحت تاثیر قرار میدهد. مهمترین جنبه ها و ابعاد طرد اجتماعی جوانان در این کشورها شامل عدم دستیابی به آموزش با کیفیت، بیکاری درازمدت، اشتغال به کار غیر مولد، فاقد کیفیت و دارای درآمد پایین و تاخیر در برنامه های مربوط به ازدواج و زندگی مستقل است، که مورد اخیر، بویژه ناشی از بالابودن هزینه های تشکیل خانواده در اینگونه کشورها در شرایط فعلی است. نیاز به مشارکت مدنی و فقدان آن نیز، از مرزهای مهم دیگر برای ادغام اجتماعی جوانان محسوب میشود که بر وراء مسائل مربوط به اقتصاد و اشتغال آنان مطرح است (Salehi – Isfahani;2007 ; Dhillon & Yousef.2007; silver:2007).

از اینرو، بویژه در شرایط کشورهای در حال توسعه منطقه (خاورمیانه) من جمله ایران، که جوانان در مرکز تحولات سیاسی- اجتماعی ملی و محلی قرار داشته و در عین حال، پایگاه و حقوق شهروندی آنان کمابیش - برحسب زمینه و شرایط خاص- دچار ابهام، غفلت^۳ یا کاستی های اساسی است، ترکیب "گسستگی" و "خطرناک بودن" بعنوان دو ویژگی اصلی در افراد جوان و دوره نوجوانی، شرایطی بس خطیر و آسیب زا برای جوانان و جامعه فراهم می آورد. در چنین وضعیتی، ساختارها و نیروهای اجتماعی محرومیت زا و منزوی سازی که با یکدیگر تعامل داشته و بصورت مزمن و انباشتی زندگی کودکان، نوجوانان و جوانان را تحت تاثیر قرار می دهند، بایستی مورد توجه و بررسی علمی قرار گیرند. این توجه و شناخت، در پرتو ادبیات نوین طرد اجتماعی میسر است که خود از دل مباحث متأخر شهروندی، سیاست اجتماعی و رفاه در جهان پیشرفته سر برآورده و به

¹ Main Target Group

² Social Exclusion

³ Undermined

سرعت در خارج از حوزه اصلی آن -اروپا- مورد کاربرد و استقبال محققین و سیاستگذاران اجتماعی در همه کشورهای جهان قرار گرفته است.

درواقع، رویکرد طرد اجتماعی از جریان پیچیده، چندسویه و اغلب مزمن و نیز مکانیزمهای اصلی درگیر شدن گروهها و نواحی پرخطر^۱ در محرومیت و تنگدستی^۲ ناشی از انباشت و تعامل عوامل خطرزای اجتماعی، پرده برمی دارد. از اینرو به گفته پیس^۳، برای بسیاری از محققین، تحلیلگران و مفسرین^۴ معاصر -بویژه از دهه ۸۰ و در اروپا- طرد اجتماعی بمنزله مفهوم و رویکرد جدید و شفافی است که در حوزه سیاست و رفاه اجتماعی، امکان درک بهتر و تفکر مجدد درباره مشکلات و مسائل اجتماعی را فراتر از مفهوم محدود و از کار افتاده^۵ فقر و محرومیت، فراهم می آورد (peace,2007:17).

رصد مسئله و ملاحظه شاخصهای طرد عینی و ذهنی در میان جوانان در سطح کشورهای غیرغربی، بویژه جهان در حال توسعه، خاورمیانه و ایران - که پاره ای از داده ها و نتایج مطالعاتی آن در سطور قبلی آمد - نیز بیانگر آن است که علیرغم اقدامات و مدعیات مربوطه در زمینه شمول اجتماعی افراد جوان، من جمله سرمایه گذاریهای آموزشی بالا، اعطاء وامهای ازدواج و غیره در سالهای اخیر، در شرایط خاص کشورهای مذکور، مسیرهای گذار جوانان به زندگی مستقل، به علت انباشت شرایط سخت بحرانی، اعم از بحرانهای انسانی، مالی، فیزیکی و سرمایه اجتماعی، برای بسیاری از آنان تقریباً غیرقابل عبور و دستیابی شده و این امر منجر به طرد انبوهی از جوانان بصورت محرومیت‌های چندگانه واقعی یا ذهنی در محورهای انسانی، آموزشی، اشتغال، ازدواج، مسکن، سلامت و شهروندی و مشارکت مدنی گردیده است (Dhyllon& yousef,ibid: 19).

واقعیت این است که در چنین جوامعی، ناتوانی جوانان در انتقال به نقاط عطف زندگی، مسئله‌ای فرابخشی، فرافردی و گسترده بوده و بویژه در شرایط کاهش نقش دولتها یا ضعف آنها در حمایت از جوانان (نسل انفجار جمعیت) در امر سلامت، آموزش، اشتغال و تامین اجتماعی - در قیاس با والدین آنها که در جوانی خود، حمایت اجتماعی بالا دریافت کرده و از تعهدات دولتها در زمینه آموزش، تضمین اشتغال فارغ التحصیلان در بخش دولتی و نیز سوپسیدهای گسترده برخوردار بوده اند- موجب افزایش فشارهای متعدد بر انبوهی از آنان در جریانهای انتقال به بزرگسالی گردیده است، که طرح دوباره و نگاهی نو به مسئله ملی و در عین حال جهانی تامین اجتماعی و رفاه نسل جوان و توجه به کیفیت زندگی عموم آنان را ضروری می سازد.

¹ High Risk

² Impowerishment

³ Peace

⁴ Commentators

⁵ Tired

بنابراین، مفهوم سازی "جوانی" در گستره ای وسیعتر و بر اساس انتقالهای مهم از یکسو و نگاه از دریچه مفهوم طرد و شمول اجتماعی به شرایط جوانان از سوی دیگر، امکان بررسی وضعیت واقعی ادغام و شمول آنان و فاصله وضع موجود با آرزوها و مطلوبهایشان را بر وراء مدعیات مربوطه و در یک زمینه انتقادی برای سیاست اجتماعی، امکان پذیر خواهد ساخت. نگاه به مسئله انتقال جوانان به بزرگسالی از منظر طرد/شمول اجتماعی و برحسب شاخصهای مربوطه، خواهد توانست گمانه ها یا فرضیات قابل قبولی درباره چرایی و چگونگی بروز و ظهور فقر و محرومیت در میان جوانان بدست دهد که در واقع به شکل بین نسلی و تحت شرایط مفروض به آنها انتقال یافته است. شرایطی که آنان اغلب از اوان کودکی بطور مستقیم یا غیر مستقیم، خواسته یا ناخواسته با آن مواجه بوده اند و بطور پیوسته و پایدار، زندگی آنها را به سمت خروج از وضعیت عادی اجتماعی-اقتصادی، سوق داده و با ممانعت از عدم ادغام کامل در زندگی اجتماعی، فرصت شهروندی فعال جامعه را از بسیاری از آنان گرفته است.

چنین مطالعه ای، آنها در بستر جامعه ای مثل ایران و در چارچوب یک بررسی کمابیش اکتشافی و زمینه یاب در خصوص جوانان، خواهد توانست محققین اجتماعی را به پاسخی واقعی در باب پرسش های اساسی مبحث طرد و شمول اجتماعی یعنی ابعاد واقعی و نیز ذهنی، شرایط شکل گیری، پروسه های ایجاد و نتایج و پیامدهای طرد یا عدم شمول جوانان، رهنمون شود.

سؤال های پژوهش: در چارچوب رویکرد نظری طرد/شمول اجتماعی، پرسشهای اساسی پژوهش حاضر چنین است:

۱. ابعاد مختلف طرد/شمول اجتماعی جوانان کدامند؟

۲. میزان طرد/شمول اجتماعی جوانان، بطور واقعی و ذهنی، در جامعه فعلی ما چقدر است؟

اهداف پژوهش: الف: هدف کلی. این مطالعه با هدف کلی "آشنایی و شناخت مفهوم و رویکرد طرد اجتماعی، عملیاتی سازی و کاربرد آن برای جوانان و مشخص کردن میزان طرد/عدم شمول اجتماعی که گروههای مختلف جوان ساکن در مناطق مختلف شهری (مرکز و حاشیه) بطور واقعی یا ذهنی تجربه می کنند، صورت گرفته است.

ب: اهداف جزئی

۱- تعیین شاخصها و معرفهای مناسب برای اندازه گیری و سنجش طرد اجتماعی جوانان در جامعه ما .

۲- تهیه و ارائه شاخص ترکیبی و کمی برای سنجش میزان کلی طرد اجتماعی جوانان و ابعاد مختلف (مادی- غیرمادی) آن.

۳- اندازه گیری و تعیین میزان واقعی و ذهنی طرد اجتماعی در جمعیت جوان شهری.

پیشینه پژوهش: جستجوی ادبیات پژوهشی موضوع (طرد اجتماعی) در ایران، حاکی از فقدان کامل پیشینه پژوهش در حوزه نظری و تجربی ویژه طرد اجتماعی است. با این حال، ادبیات موضوع در

قلمروهای مفهومی مرتبط و نزدیک به آن یعنی محرومیت اجتماعی، بیگانگی اجتماعی، انزوای اجتماعی، فقر، حاشیه نشینی و... که عموماً ناظر به بعد یا ابعاد یا سطوحی محدود از پدیده طرد بوده و جامعیت آن رادر برنمی گیرند، مورد بررسی قرار گرفته اند. ادبیات یاد شده صرفاً نمایی جزئی، مختصر و اغلب ناقص و نارسا از این مسئله ی ذو ابعاد و چند سطحی به دست می دهند، بی آنکه به گسترش شناخت ما از آن و ترسیم خطوط نظری و روش شناختی لازم بر مبنای دستاوردهای پژوهشی موجود و برداشتن گامی هماهنگ با آنها در پژوهش حاضر، یاری اساسی برسانند. در ادامه به مرور نمونه ای از اهم پژوهشهای تجربی موجود در این زمینه میپردازیم:

در پژوهشی که با عنوان "بیگانگی اجتماعی" توسط ابوتراب طالبی دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس در سال ۷۳ انجام شده، تبیین نظری بیگانگی اجتماعی در ایران، تجزیه و تحلیل انتقادی تئوریهای بیگانگی در مقایسه با وضع خاص جامعه ایران و همچنین تبیین تعلق جوانان شهر تهران به ارزشهای جمعی ایران اسلامی شیعی مورد توجه قرار گرفته است. یافته های این پژوهش که با استفاده از تلفیقی از روشهای کمی و کیفی بر روی دانش آموزان سال سوم و چهارم تمامی دبیرستانهای شهر تهران در سال تحصیلی ۷۳-۷۲ انجام گرفته است نشان می دهد که بین نظام ارزشی و ساخت اجتماعی ایران تعادل و هماهنگی وجود ندارد. محقق در این پژوهش با رویکردی تلفیق (انتقادی و کارکردگرایانه) و با تکیه بر نظریه کنش پارسونز به تبیین و تشریح جدایی ذهنی و عینی افراد از نظام اجتماعی ایران پرداخته و به این نتیجه می رسد که بیگانگی اجتماعی افراد زیاد است، درحالیکه بررسی بیگانگی ارزشی در مقایسه با بیگانگی اجتماعی حاکی از آن است که اکثریت جامعه ارزشهای نظام اجتماعی را قبول دارند. نیاز به تغییر در جهت ایجاد تناسب بین تئوریهای بیگانگی و واقعیت های موجود جامعه ایران نیز از دیگر نتایج برآمده از این پژوهش می باشد.

پژوهش دیگری در زمینه مرتبط با موضوع، با عنوان " بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر بیگانگی اجتماعی جوانان" توسط مجتبی عباسی قادی دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران در سال ۸۴ انجام گرفته است. محقق در این پژوهش درصدد شناخت میزان بیگانگی اجتماعی و عوامل موثر بر آن در بین جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله ای بوده است که در زمان پژوهش ساکن تهران بوده اند. در این راستا، وی ضمن مروری برفضای مفهومی موضوع و تئوریهای موجود، تئوری انتقاد اجتماعی را برای تبیین مسئله مورد نظر انتخاب کرده است. یافته های این پژوهش که با استفاده از روش پیمایش بدست آمده اند بامدل تئوری انتقاد اجتماعی مبنی بر اینکه نظام مسلط فرهنگی - اجتماعی و روابط حاکم بر آن موجب بیگانگی انسان می شود همخوانی دارد. نتایج حاکی از آن است که ریشه های بیگانگی افراد در فردگرایی، نظام بوروکراسی منفی، ابزاری بودن تعاملات اجتماعی، محدودیت های انتخابی از سوی نظام اجتماعی و نوع طبقات اجتماعی نهفته است و در

این میان متغیرهای محدودیت های انتخابی ازسوی نظام اجتماعی و ابزاری بودن تعاملات اجتماعی از بیشترین میزان تاثیرگذاری بربیگانگی جوانان برخوردارند.

از دیگر کارهای مرتبط، "تبیین علل اجتماعی فرهنگی فقر در منطقه نسیم شهر تهران" پایان نامه باقر حق وردیان دانشجوی کارشناسی ارشد رشته پژوهشگری دانشگاه تهران می باشد که در سال ۸۵ تدوین شده است. این پژوهش با تکیه بر یک کار تلفیقی از سه دیدگاه فرهنگی، موقعیتی، ربطی به روش پیمایش و با هدف سنجش فقر و بررسی علل اجتماعی فرهنگی آن بر روی کل خانوارهای منطقه حاشیه نشین شهر تهران (اکبرآباد) انجام شده است. نتایج حاصل از این پژوهش گویای آن است که متغیرهای مستقل یعنی میل به کنترل محیط، میزان تقدیرگرایی، انگیزه موفقیت، نگرش به فقر، حمایت اجتماعی، عدم حمایت دوستی، بعد خانوار، تحصیلات، نوع مدرسه، تمایل به تحصیل و نوع شغل، تنها تعیین کننده ۵۵ درصد از تغییرات واریانس وضعیت اقتصادی بوده و ۴۵ درصد از تغییرات واریانس این متغیر را باید بوسیله عوامل ساختاری و اقتصادی دیگر تحلیل کرد. لازم به ذکر است که در این پژوهش متغیر وابسته صرفا فقر درآمدی در نظر گرفته شده است. همچنین یافته ها حاکی از آن است که از بین متغیرهای مستقل، عدم توان و تمایل افراد به تغییر محیط و کنترل آن و عدم حمایت دوستی، بیشترین تاثیر را بر فقر داشته اند.

چارچوب نظری و مدل تحقیق

مروری بر ادبیات مفهومی و نظری طرد اجتماعی، بیانگر جدید بودن مباحث مرتبط با پدیده طرد و شمول اجتماعی (مفهوم مقابل طرد اجتماعی) و بالطبع، عدم تکافوی نظری و تجربی لازم در این زمینه و سیر رو به تکامل مفهوم سازی و نظریه پردازی در باب طرد / شمول اجتماعی در حوزه مباحث رفاه و سیاست اجتماعی نوین می باشد.

دیدگاه نظری حاکم بر این مطالعه، رهیافتی ترکیبی در زمینه طرد اجتماعی است که ناظر بر دو جریان عمده در تعریف و تبیین پدیده طرد و شمول اجتماعی مشهور به ۱- سنت فرانسوی و ۲- سنت انگلیسی (انگلو ساکسون) است.

هریک از این دو رهیافت، بر جنبه یا ابعاد خاصی از پدیده طرد / شمول اجتماعی تاکید کرده و پیدایش آنرا از منظری خاص مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند.

در رویکرد فرانسوی، بر پایه سنت جامعه شناسی کلاسیک و با تاکید بر همبستگی روابط اجتماعی یا ماهیت پیوند "اخلاقی"، انسجام اجتماعی یا ادغام مجموعه های انسانی (گروهها و اعضا) در کلیت جامعه، بستگی به دو عامل مذکور (پیوندهای اجتماعی و اخلاقی یا هنجاری) دارد. از اینرو، توجه به دو بعد یادشده در ساختار اجتماعی، اهمیت محوری داشته و پدیده طرد در موقعیت عینی یا نمادین (ذهنی) آن، منتج از نظم پیوند یا گسستگی های متعدد بین افراد و گروههای اجتماعی با جامعه است. به عبارت دیگر، به گفته یکی از صاحب نظران در این رویکرد، طرد

اجتماعی نتیجه یک فرایند عدم پذیرش از جانب جامعه در راستای ایده وحدت (همبستگی و انسجام) اجتماعی است (زبیرا، ۱۳۸۵: ۷-۳۳).

بنابراین در رویکرد مذکور، بحث در باب محرومیت های اجتماعی از منظری وسیعتر - رهیافت همبستگی - مد نظر قرار گرفته و در گسترده ترین معنای آن در جوامع معاصر، بر پایه گفتمان سیاسی^۱، حقوق شهروندی و مسئولیت و پاسخگویی نظام اجتماعی در قبال شهروندان، جذب فعال^۲ (اعضا و گروههای مختلف اجتماعی) در جامعه را مورد تأکید قرار می دهد (silver, 1994:535).

به تعبیر دیگر، در این چارچوب جوامع امروزی (مدرن) باید بتوانند پیوند اجتماعی ارگانیکی را ترتیب دهند که موجب شود هر یک از بازیگران اجتماعی، بعنوان عضو اصلی و لازم کلیت اجتماعی به حساب آیند. (زبیرا، ۱۳۸۵: ۷-۳۳)

در رویکرد انگلیسی، تأکید اصلی بر روی نظام توزیع مناسب فرصتها و دستیابی کافی به آن است. این رهیافت با تأکید بر ویژگی های فردی و رفتاری، بر روی ناتوانی افراد و گروههای معین برای مشارکت در فعالیتهای معمول اجتماعی و برقراری روابط اجتماعی مهم یا استفاده از حقوق اجتماعی اساسی، شامل حق برخورداری و دستیابی به استانداردهای زندگی مناسب، متمرکز است. در این رویکرد، طرد اجتماعی مترادف با فقر و محرومیت چندگانه بوده و بعنوان جنبه ای از قشربندی اجتماعی در نظر گرفته میشود، بطوریکه به تعبیر سیلور، مفهوم طرد مشابه تبعیض تلقی میشود (silver, 1994: 4411).

در مقاله حاضر پس از مرور معنا و فضای مفهومی طرد اجتماعی و تئوریهها و رویکردهای عام و خاص مرتبط با آن در ادبیات نظری و پژوهشی، عناصر مفهومی و متغیرهای کلیدی دخیل در شکلگیری و ایجاد طرد، شناسایی و استخراج گردیده و در نهایت، براساس دیدگاه ترکیبی مبنای یک مدل مفهومی ویژه برای سنجش تجربی طرد جوانان طراحی و ارائه شده است.

این مدل دو بعد یا جنبه اصلی برای مفهوم طرد (عینی) قائل است: الف- طرد ساختاری اقتصادی: که ارجاع به نظام توزیع منابع و فرصتها (بعد توزیعی) داشته و در راستای رویکرد موسوم به "انگلیسی - امریکایی" در ادبیات جهانی طرد / ادغام اجتماعی است. این جنبه طرد شامل دو بعد مادی (درآمد و کالاها) و غیرمادی (حقوق اجتماعی) است.

ب- طرد اجتماعی - فرهنگی: که اشاره به بعد ارتباطی یا پیوندی (اجتماعی و هنجاری) موضوع دارد که در سنت "فرانسوی" این مفهوم، مد نظر و مورد تأکید محققین است. این بعد طرد شامل

¹ political discourse

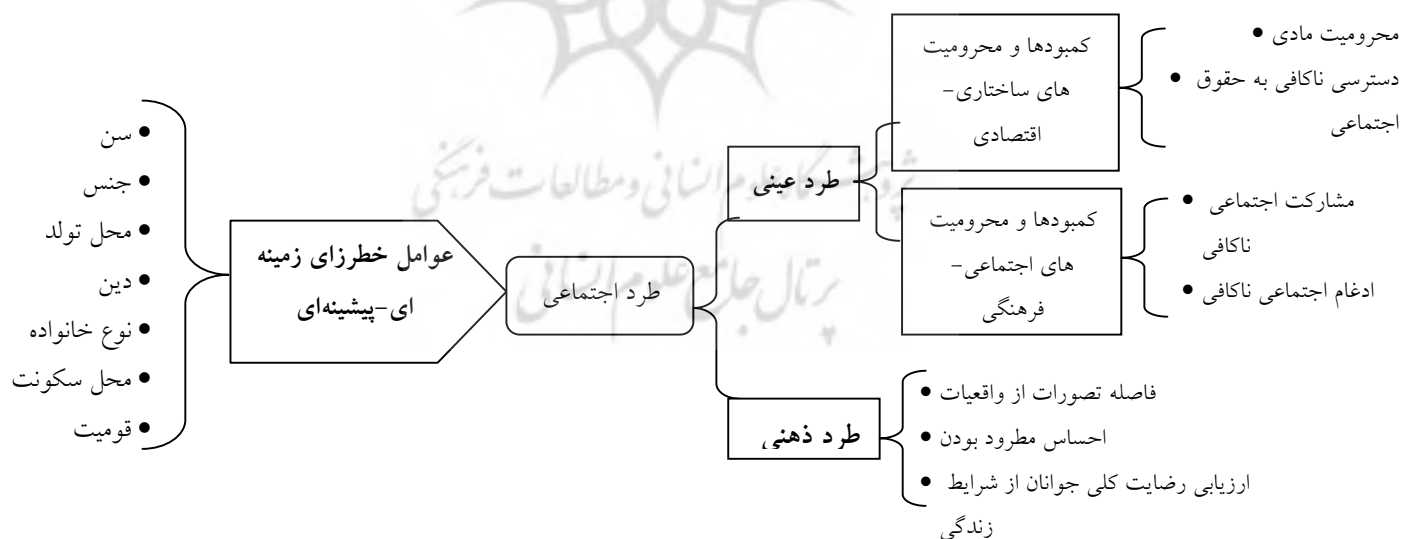
² Active Integration

دو جنبه : ۱- ادغام اجتماعی (روابط و شبکه های اجتماعی) ۲- ادغام فرهنگی (ارتباط با ارزشها و هنجارها / نظام هنجاری مسلط) میباشد.

بعلاوه، نظر به شرایط جمعیت مورد مطالعه (جوانان) و واقعیت های موجود در جامعه ایران در رابطه با دوران گذار از جوانی به بزرگسالی و مشکلات و مسائل جوانان طی این انتقال ، در تعیین حوزه ها و اشکال طرد (چه آشکار و چه پنهان؛ چه عینی یا ذهنی) جوانان ، از تقسیم بندی ها و مفاهیم نظری مکمل و مندرج در ادبیات طرد جوانان (در منطقه و جهان) نیز برای طراحی مناسب مدل مفهومی پژوهش، استفاده گردیده است.

مدل تحلیل: بر اساس ادبیات مربوطه و واقعیات یاد شده ، مدل مفهومی طرد اجتماعی که در بررسی و سنجش طرد اجتماعی جوانان و عوامل زمینه ساز و دخیل در آن مورد استفاده قرار گرفته و بویژه در طبقه بندی و تحلیل داده ها و یافته های پژوهش مبنای کار بوده است، به شکل زیر ارائه گردیده است . طبق مدل مذکور، طرد اجتماعی جوانان در اشکال عینی (وضعیت مطرودبودگی) و ذهنی (احساس مطرودبودن) اساسا نتیجه عوامل ساختاری (خرد و کلان) و نیز مبتنی بر ویژگی های فردی - خانوادگی متعددی هستند که ریشه در موقعیت و فضاهای اجتماعی پیرامون افراد داشته و منتج از تجارب و حوادث زندگی فردی و اجتماعی آنان در طول زندگی است که در واقع بصورتی انباشتی و پویا جریان پیدا کرده، نقطه پایان معینی ندارد؛ اما بصورت مقطعی (بررسی حاضر) نیز، قابل مطالعه و سنجش است.

شکل ۱. مدل علی و نظری پژوهش



روش پژوهش: این پژوهش یک مطالعه توصیفی - تحلیلی در زمینه طرد اجتماعی جوانان است که به شیوه پیمایش (survey)، روش معمول در پژوهش های اجتماعی پنهانگر، به انجام رسیده است. پیمایش حاضر در سطح استان تهران (شهر تهران و دو شهر معرف حومه) صورت گرفته است.

جامعه آماری: جامعه آماری بررسی، مجموعه افراد ۱۵ تا ۲۹ ساله خانوارهای معمولی ساکن در استان تهران در تیرماه سال ۱۳۸۸ بوده است. هر یک از افراد خانوارهای معمولی ساکن که در زمان اجرای طرح سن آنها بین ۲۹-۱۵ سال (جوان) بوده است، واحد آماری این پژوهش محسوب شده و تعداد معینی از آنان برای حضور در مطالعه و تکمیل پرسشنامه پژوهش، دعوت به مصاحبه شده اند. منظور از خانوار معمول ساکن، یک یا چند نفر هستند که با هم در یک اقامتگاه ثابت زندگی می کنند، هم خرج هستند و معمولاً با هم غذا می خورند. به این ترتیب، فردی که به تنهایی در یک اقامتگاه ثابت زندگی می کند نیز یک خانوار معمولی ساکن به حساب آمده است.

جامعه نمونه: نمونه آماری این بررسی عبارت بوده اند از تعداد ۱۲۰۰ نفر از افراد ۲۹-۱۵ ساله متعلق به خانوارهای معمولی ساکن در استان تهران که با استفاده از روشهای نمونه گیری معمول در پیمایش های اجتماعی، انتخاب و مورد پرسش واقع شده اند.

روش نمونه گیری: برای دستیابی به اهداف بررسی، از روش نمونه گیری خوشه گیری دو مرحله ای استفاده به عمل آمده است. در این روش ابتدا تعدادی واحد نمونه گیری - یا محدوده در سطح شهر یا منطقه - بصورت تصادفی انتخاب شده اند که متشکل از مجموعه ای به هم پیوسته از واحدهای نمونه گیری - یا واحد آماری - برای مرحله دوم است. در مرحله دوم، در هر یک از واحدهای نمونه مرحله اول، واحد آماری (یعنی واحد نمونه گیری مرحله دوم) به صورت نمونه انتخاب شده است. در مرحله دوم، در هر محدوده با ۱۰ نفر به عنوان نمونه مصاحبه شده که از این تعداد پنج نفر آقا و پنج نفر خانم می باشند.

چارچوب نمونه گیری: در تعیین چارچوب نمونه گیری برای ۲۲ منطقه شهر تهران و شهرهای اسلامشهر و پاکدشت و ورامین از جمعیت سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ استفاده شده است. تعداد نمونه برای این طرح با توجه به بررسی های انجام شده و فاصله اطمینان مورد نظر ($d=0/0325$ برای تهران و $d=0/05$)، ۱۲۰۰ نفر برآورد شده است که توزیع آن براساس محاسبات به شرح ذیل می باشد: تعداد نمونه در شهر تهران ۹۱۰ نفر، اسلامشهر ۲۱۰ نفر، پاکدشت ۸۰ نفر. توزیع نمونه در سطح مناطق شهری برحسب جمعیت هر منطقه و انتخاب بلوکها از طریق نقشه های گیتاشناسی شهرها انجام شده است. در این پژوهش، اطلاعات میدانی از طریق پرسشنامه ساخت یافته گردآوری گردیده است.

تعاریف نظری و عملی مفهوم طرد اجتماعی جوانان

تعریف نظری: هر چند کار بر روی طرد/ شمول اجتماعی اساساً روی بزرگسالان متمرکز بوده است و علی‌رغم تازگی و در نتیجه ابهامات موجود پیرامون مفهوم طرد اجتماعی برای گروه‌های خاص، تعاریف فراوانی از این مفهوم در مورد کودکان و جوانان، به عنوان گروه‌های عمده در خطر طرد^۱ وجود دارد. با اینحال تعاریف و شاخص‌های ساخته و پرداخته شده در خصوص طرد جوانان، همانند مفهوم سازی‌های عام طرد اجتماعی، اغلب مربوط به جوامع نسبتاً با ثبات و مرفه (غرب) بوده و کاربرد آنها در سایر نقاط دنیا، بویژه در جوامع در حال توسعه و کمتر با ثبات، خالی از اشکال نخواهد بود؛ کما اینکه بنا به اعتقاد صاحب نظران، مفهوم یاد شده در محل اصلی ظهور و کاربرد آن یعنی اروپا نیز، به دور از کاستی‌های تئوریک و روش‌شناختی نبوده است (paskell,2004:4).

از اینرو گفته شده بکارگیری مفهوم طرد اجتماعی برای بحث و مطالعه در زمینه منافع، فرصتها و محدودیتهای افراد جوان، بویژه بایستی بر حسب تنوع تعاریف جوان و دوره‌ی جوانی و نیز تفاوت وضعیت جوانان در جوامع مختلف- علی‌رغم تشابهات جهانی یا منطقه‌ای قابل ملاحظه در این زمینه- صورت پذیرد. (Ibid. Autio). بنابراین نظر محققینی چون سیلور و میلر^۲ (۲۰۰۶) که پژوهش‌های مهمی در زمینه طرد ارائه داده‌اند، طرد اجتماعی، فرآیندی چندبعدی از گسست اجتماعی پیشرونده^۳ است که افراد و گروه‌ها را از روابط و نهادهای اجتماعی جدا کرده و مانع مشارکت کامل آنان در فعالیت‌های طبیعی و مجاز اجتماعی در یک جامعه می‌شود (Silver & Miller, 2006). در همین زمینه، آمارتیا سن معتقد است در هر جامعه، ظرفیت و معیار عضویت اجتماعی هر چه باشد، گروه‌ها و افراد مطرود اجتماعی کسانی هستند که فاقد توانایی یا دسترسی به فرصت‌های اجتماعی^۴ هستند (Silver; 2007: 15). بنابراین، از سویی، طرد اجتماعی از منظر کلان، قطع پیوندهای اجتماعی بزرگتر و گسست از پیکره اجتماع است. از این رو، جوانانی که از سیستم‌های جاری و معیارهای اجتماع به دلایل گوناگون جدا شده‌اند، دچار طرد می‌شوند. از سوی دیگر طرد، قطع پیوندهایی است که افراد و گروه‌ها را به یکدیگر متصل نگاه می‌دارد. لذا طرد جوانان در یک رویکرد ترکیبی، پدیده‌ای کلان و در عین حال خرد است. با این اوصاف، نظریه طرد اجتماعی، مسیر روابط

¹ - at risk

² Silver & Miller

³ Progressive social rupture

^۴ Social opportunity

گروهی و نیز روابط بین افراد را بررسی کرده، و نه فقط طردشدگان، بلکه نهادهای طردکننده و نیز افرادی را که از این جریان نفع می‌برند، مورد توجه قرار می‌دهد (همان).

از سوی دیگر هنگامی که مطرودین جوان، مورد توجه تحلیلی هستند، فرآیندهای مطرودساز، مثل حرکت مارپیچی محرومیت انباشتی و تله‌های طرد، در "طول زندگی" افراد مد نظر قرار می‌گیرند. بنابراین طرد اجتماعی مفهومی پویاست. از اینرو، بنا بر گفته سیلور، در بررسی مسیر حرکت طرد اجتماعی در "طول زندگی" جوانان، تجمع محرومیت‌های اجتماعی در ابعاد گوناگون، آشکار می‌شود. لذا، برای بیان مجموعه‌ای از محرومیت‌های اجتماعی جوانان، آن هم در ابعاد گوناگون، مفهوم «طرد» بکار گرفته می‌شود (Silver;2007: 16). در این راستا سیاست‌های اجتماعی یی که ادغام اجتماعی برنامه ریزی شده و فرآیند انتقال جوانان از طریق مدرسه، آموزش حرفه‌ای، مهارت‌های زندگی، برنامه‌های بازار کار و غیره را دنبال می‌کنند نیز در واقع، در خود تله‌هایی از طرد اجتماعی را به همراه دارند. برنامه‌های عرضه شده، ایده پیشرفت اجتماعی را صرفاً به پیشرفت در بازار کار - درحین نادیده گرفتن میزان واقعی تقاضای محلی - منحصر می‌کنند. لذا انتقال به بزرگسالی، از طریق تشویق و ترغیب جوانان به مطالعه و کار، مادامی که شرایط شمول و جذب اجتماعی فراهم نباشد، راهی متزلزل و محکوم به شکست است (همان).

تعریف عملی: شاخص سازی مفهوم طرد اجتماعی جوانان

چنانکه در تعریف نظری مفهوم طرد اجتماعی اشاره شد پژوهشگران طرد اجتماعی در کانون عمده تفکر روی این مفهوم یعنی اروپا (EU)، از تعریف مستقیم و جداگانه آن خودداری کرده و عموماً و اساساً طرد اجتماعی را نقطه مقابل شمول اجتماعی در نظر گرفته‌اند و آنرا پیامد/ نتیجه بالقوه شماری از عوامل خطرزا تعریف کرده‌اند. بنابراین در این بررسی نیز در تلاش برای عملیاتی کردن¹ و کاربرد مفهوم طرد اجتماعی برای جمعیت جوان، بنابر سنت نظری موجود و بر مبنای تعاریف و شاخص‌های عام جهانی و منطقه‌ای، از میان گستره‌ای از ابعاد وقوع طرد اجتماعی و نیز شرایط و عوامل زمینه ساز آن، یک مدل مفهومی طرد اجتماعی مبتنی بر جنبه‌های اصلی شمول اجتماعی و انتقال‌های اساسی زندگی² (مناسب برای سیاستگذاری³ رفع طرد جوانان)، جهت سنجش و اندازه‌گیری میزان طرد و شمول اجتماعی جوانان در ایران، طراحی گردیده است که در محورهای زیر نیز عملیاتی گردیده است:

- ابعاد و مولفه های طرد عینی شامل:

¹ Operationalization

² Life Transitions

³ policy Making

- طرد از آموزش: شاخص ترکیبی شامل متغیرهای وضعیت تحصیلی، وجود مشکل تحصیلی، نوع مشکلات تحصیلی، راه حل مشکلات تحصیلی (مادی و غیر مادی)، وجود و نوع مشکلات ادامه تحصیل
- طرد از اشتغال و بازار کار: وضعیتی مرکب از متغیرهای سن فرد (حداقل ۲۴)، تحصیل (حداقل مدرک لیسانس) و وضعیت اشتغال (فقدان شغل دائم و تمام وقت)
- طرد از مسکن مناسب: شامل متغیرهای وضعیت مالکیت فضا و متراژ و امکانات موجود در واحد مسکونی
- طرد از محله مسکونی مناسب (طرد فضایی): وضعیتی مرکب از متغیرهای امکانات و مشکلات موجود در منطقه و محله مسکونی
- طرد از ازدواج: شامل متغیرهای دلیل اصلی عدم ازدواج، میانگین سن مناسب ازدواج، ترجیحات در ازدواج، احتمال ازدواج در آینده، منبع تامین هزینه ازدواج، امید به ازدواج مناسب
- طرد از اوقات فراغت: ترکیبی از متغیرهای انواع فعالیت فراغتی و میزان بهره مندی و رضایت از نحوه گذران اوقات فراغت
- طرد از سلامت و بهداشت: شاخص ترکیبی شامل متغیرهای نحوه دریافت و کیفیت ارائه خدمات از سوی مراکز بهداشتی-درمانی و مشکلات بهداشتی-درمانی خانواده ها و پاسخگویان
- طرد از مشارکت اجتماعی رسمی: ترکیبی از متغیرهای میزان اعتماد به نهادها، میزان ارتباط با مراکز و نهادها، شرکت در فعالیتهای جمعی، مشارکت در فعالیتهای محل تحصیل
- طرد از مشارکت اجتماعی غیررسمی: ترکیبی از متغیرهای میزان ارتباط فعلی فرد با گروه ها و مراکز مختلف غیر رسمی
- بعد محرومیت مادی: ترکیبی از متغیرهای وابستگی درآمدی، عدم کفاف درآمد برای هزینه، بدهی معوقه، سرانه درآمد خانوار
- بعد محرومیت از حقوق اجتماعی اساسی: ترکیبی از متغیرهای محرومیت از دسترسی به آموزش، امکانات درمانی-بهداشتی، مسکن مناسب، محله مسکونی مناسب، ازدواج و تشکیل خانواده
- بعد محرومیت از ادغام اجتماعی-فرهنگی: ترکیبی از متغیرهای عدم مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی و عدم کیفیت اوقات فراغت
- شاخص کلی طرد عینی: ترکیبی از متغیرهای مربوط به ابعاد سه گانه محرومیت مادی، محرومیت از حقوق اجتماعی اساسی و محرومیت از ادغام اجتماعی فرهنگی
- ابعاد طرد ذهنی شامل: فاصله تصورات و انتظارات با واقعیات، احساس مطرود بودن در زندگی روزمره، ارزیابی میزان رضایت جوانان از شرایط زندگی فردی/اجتماعی خود.

- عوامل و شرایط زمینه ساز طرد شامل: سن، جنس، پایگاه شهروندی، ترکیب خانواده، سبب طرد، پیشینه اجتماعی، قومیت، تبعیض در خانواده

تمامی شاخصهای مذکور در فاصله ۱۰۰-۰ طرد اجتماعی استانداردسازی شده اند.

توصیف داده ها

مقدمه: در این مقاله، در بخش توصیف و تحلیل داده‌های پژوهش، طرد اجتماعی جوانان در چند فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد. این بخش به دو قسمت اصلی تقسیم شده است: ۱. توصیف داده‌ها ۲. تحلیل داده‌ها. ویژگیها، شرایط و عوامل فردی و اجتماعی زمینه‌ساز طرد نیز مورد توجه بوده است. در این خصوص، ابتدا طرد عینی در ابعاد هفت گانه: طرد از آموزش، طرد از اشتغال و بازار کار، طرد از مسکن و محله مسکونی مناسب، طرد از ازدواج، طرد از اوقات فراغت، طرد از سلامت و بهداشت، طرد از مشارکت اجتماعی و سپس طرد ذهنی در قالب سوالاتی مرتبط با سه محور زیر؛ ۱- فاصله تصورات و انتظارات با واقعیات، ۲- احساس مطرود بودن در زندگی روزمره، ۳- ارزیابی میزان رضایت جوانان از شرایط زندگی فردی/اجتماعی خود ارائه گردیده اند.

ویژگی‌ها اجتماعی - اقتصادی و عوامل زمینه ساز طرد جوانان

به منظور به تصویر کشیدن جامعه مورد مطالعه و مختصات آماری آن، ابتدا اطلاعات مربوط به ویژگی‌ها و وضعیت کلی پاسخگویان و خانواده‌های آنان توصیف می‌گردد. ویژگی‌های مذکور شامل سن، جنس، محل تولد، مذهب، قومیت، موقعیت پاسخگو در خانوار، وضعیت تأهل، در قید حیات بودن والدین و نوع خانواده پاسخگویان می‌باشد^۱.

همانطور که جدول ۱ نشان می‌دهد ۴۸/۸ درصد (۵۸۵ نفر) از پاسخگویان زن و ۵۱/۳ درصد (۶۱۵ نفر) مرد می‌باشند. از این تعداد ۳۰/۹ درصد (۳۷۰ نفر) در گروه سنی ۱۹-۱۵ سال، ۳۴/۱ درصد (۴۰۸ نفر) در گروه سنی ۲۴-۲۰ سال و ۳۵/۱ درصد (۴۲۰ نفر) در گروه سنی ۲۹-۲۵ سال قرار دارند. میانگین سنی پاسخگویان نیز ۲۲ سال می‌باشد. محل تولد پاسخگویان به ترتیب؛ ۸۱/۱ درصد تهران، ۱۱ درصد شهرهای کوچک و بقیه، سایر شهرها و روستاها می‌باشد. محل تولد پدر و

^۱ - لازم به ذکر است که در مبحث طرد اجتماعی، اغلب عوامل زمینه ای و پیشینه ای عام مطرح در حوزه علوم اجتماعی، بعنوان عوامل زمینه ساز و بعضا عوامل خطرزای طرد محسوب می‌شوند. بنابراین، در پژوهش حاضر نیز تفکیک دقیق آنها از یکدیگر ممکن نبوده است و بصورت توأم و زنجیره ای گزارش شده اند.

جدول ۱. توزیع فراوانی نسبی پاسخگویان بر اساس ویژگیهای اقتصادی- اجتماعی و عوامل زمینه‌ساز طرد

عمر	جنس		سن				محل تولد						دین			قومیت				
	زن	مرد	۱۵-۱۹ سال	۲۰-۲۴ سال	۲۵-۲۹ سال	میانگین	تهران	شهرهای بزرگ	شهرهای کوچک	روستا	خارج از کشور	تشیع	تسنن	مسیحیت	یهودی	سایر	فارس	ترک	سایر	
پاسخگو	۴۸/۸	۵۱/۳	۳۰/۹	۳۴/۱	۳۵/۱	۲۲/۱۸	۸۱/۱	۵/۳	۱۱	۲/۵	۰/۱	۹۶/۷	۱/۶	۰/۵	۰/۹	۰/۳	۴۹/۱	۳۷	۱۳/۹	
تعداد	۵۸۵	۶۱۵	۳۷۰	۴۰۸	۴۲۰	-	۹۵۱	۶۲	۱۲۹	۲۹	۱	۱۱۲۸	۱۹	۶	۱۰	۴	۴۳۳	۵۷۴	۱۶۲	
درصد	۱۰۰		۱۰۰				۱۰۰						۱۰۰			۱۰۰				
تعداد کل	۱۲۰۰		۱۱۹۸				۱۱۷۲						۱۱۶۷			۱۱۶۹				
پدر پاسخگو	-	-	-	-	-	-	۳۳/۴	۱۶/۵	۳۰/۳	۱۹/۶	۰/۳	-	-	-	-	-	-	-	-	
تعداد	-	-	-	-	-	-	۳۸۷	۱۹۱	۳۵۱	۲۲۷	۳	-	-	-	-	-	-	-	-	
درصد	-	-	-	-	-	-	۱۰۰						-	-	-	-	-	-	-	
تعداد کل	-	-	-	-	-	-	۱۱۵۹						-	-	-	-	-	-	-	-
مادر پاسخگو	-	-	-	-	-	-	۳۷/۱	۱۵/۷	۳۰/۱	۱۷	۰/۲	-	-	-	-	-	-	-	-	
تعداد	-	-	-	-	-	-	۴۳۱	۱۸۲	۳۴۹	۱۹۷	۲	-	-	-	-	-	-	-	-	
درصد	-	-	-	-	-	-	۱۰۰						-	-	-	-	-	-	-	
تعداد کل	-	-	-	-	-	-	۱۱۶۱						-	-	-	-	-	-	-	-

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

ادامه جدول ۱. توزیع پاسخگویان بر اساس عوامل / ویژگیهای اقتصادی- اجتماعی زمینه ساز طرد

در قید حیات بودن والدین		موقعیت پاسخگو در خانوار										ف.ع.ت
نمی دانم	هیچکدام	هر دو	مادر	پدر	دیگر موارد	سایر افراد غیر خویشاوند	خویشاوند	فرزند	خوهر/برادر سرپرست	همسر	سرپرست خانوار	
0	0/4	87/8	9/4	2/5	0/1	0	0/2	76/6	2	12/5	8/7	پاسخگو
۰	۴	۹۸۵	۱۰۵	۲۸	۱	۰	۲	۸۵۸	۲۲	۱۴۰	۹۷	تعداد
نوع خانواده												ف.ع.ت
خانواده معمولی	۲- خانواده طلاق										درصد	
	تحت سرپرستی خویشاوندان					با مادر و ناپدری		با پدر و نامادری	تنها با مادر	تنها با پدر		۱- خانواده شاهد/جانباز/ایشان گر
۸۴/۹	۰/۱	0	0	۰/۳	0	۰/۴	۱/۶	۰/۴	۳/۵	درصد		
۱۰۱۹	۱	۰	۰	۴	۰	۵	۱۹	۵	۴۲	تعداد		
۴- خانواده تک والد در اثر فوت												
با مادر و ناپدری		با پدر و نامادری			تنها با مادر		تنها با پدر		نوع خانواده			
۰/۲		۰/۲			۲/۲		۰/۳		درصد			
۲		۲			۲۶		۴		تعداد			

مادر پاسخگویان به ترتیب؛ ۳۳/۴ درصد پدران و ۳۷/۱ درصد از مادران تهران، حدود ۳۰ درصد والدین شهرهای کوچک و بقیه، سایر شهرها و روستاها می‌باشد. مذهب ۹۶/۷ درصد از پاسخگویان تشیع، ۱/۶ درصد تسنن، ۰/۵ درصد مسیحیت و ۰/۹ یهودیت است. همچنین بر اساس اطلاعات بدست آمده قومیت ۴۹/۱ درصد از پاسخگویان فارس و ۳۷ درصد آذری و بقیه سایر قومیت‌ها بوده است.

همچنین نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که موقعیت ۷۶/۶ درصد از پاسخگویان (مجردین) در خانواده، فرزند و ۱۲/۵ درصد (متاهلین) همسر است. بر اساس داده‌ها، پدر و مادر ۸۷/۸ درصد (۹۸۵ نفر) از پاسخگویان در قید حیات می‌باشند.

اطلاعات جدول ۱ مربوط به نوع خانواده پاسخگویان نیز حاکی از آن است که نوع خانواده ۸۴/۹ درصد از آنها معمولی، ۳/۵ درصد شاهد، ۲/۸ درصد طلاق و ۲/۹ درصد خانواده تک والد در اثر فوت است. از تعداد کل پاسخگویان حدود ۵/۹ درصد نیز به سوال مربوط به نوع خانواده پاسخ نداده‌اند.

جدول ۲ نیز، وضعیت تأهل پاسخگویان را نشان می‌دهد. داده‌های جدول مذکور گویای آن است که ۷۷ درصد از کل پاسخگویان (۹۲۲ نفر) مجرد می‌باشند. این میزان در بین زنان ۷۸ درصد و در مردان حدود ۷۶ درصد مشاهده می‌شود. همچنین اندکی بیش از ۲۰ درصد از کل پاسخگویان (۲۴۴ نفر) متأهل می‌باشند. از این میزان، حدود ۱۹ درصد زن و ۲۱ درصد مرد هستند.

جدول ۲. توزیع فراوانی نسبی پاسخگویان برحسب وضعیت تأهل به تفکیک جنس

وضع تأهل	جنس پاسخگو		کل
	زن	مرد	
مجرد	تعداد	۴۵۷	۹۲۲
	درصد	۷۸,۱	۷۷,۳
متاهل	تعداد	۱۱۳	۲۴۴
	درصد	۱۹,۳	۲۰,۵
مطلقه	تعداد	۰	۳
	درصد	۰	۰,۵
زندگی جداگانه	تعداد	۲	۳
	درصد	۳,۰	۲,۳
عقد کرده اما به خانه خود نرفته	تعداد	۱۳	۲۱
	درصد	۲,۲	۱,۸
کل	تعداد	۵۸۵	۱۱۹۳

۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد
-----	-----	-----	------

طرد عینی، ابعاد و مولفه های آن

چنانکه آمد در این مقاله، طرد عینی در ابعاد ۷ گانه آموزش، اشتغال و بازار کار، مسکن و مشکلات محله مسکونی، ازدواج، اوقات فراغت، سلامت و بهداشت، مشارکت اجتماعی مورد بررسی و سنجش قرار گرفته است. در این بخش، داده ها و یافته های مربوط به این ابعاد آمده است. جدول شماره ۳ توزیع نسبی شاخصها و ابعاد و مولفه های طرد عینی را نشان می دهد:

محرومیت از آموزش: شاخص کلی محرومیت از دسترسی به آموزش مناسب، از ترکیب سوالات ۴ (وضعیت تحصیلی فعلی)، ۵ (وجود مشکل تحصیلی)، ۶ (نوع مشکل)، ۷ (راه حل مشکلات مادی تحصیلی)، ۸ (راه حل مشکلات غیرمادی تحصیلی) و ۱۰ (وجود و نوع مشکلات ادامه تحصیل) پرسشنامه تحقیق ساخته شده است. نتایج مربوط به این شاخص (جدول ۳) نشان می دهد که بیش از نیمی (۵۵/۵٪) از پاسخگویان دسترسی مناسبی به آموزش داشته و در مقیاس ۱۰۰-۰ شاخص محرومیت از آموزش مناسب، در نقطه محرومیت "کم" قرار می گیرند. حدود ۴۲ درصد جوانان مورد مطالعه نیز در حد متوسط دچار محرومیت از مقوله آموزش بوده و تنها قریب ۳ درصد آنان از جهات مختلف دچار طرد از آموزش مناسب می باشند. نمره میانگین شاخص مذکور نیز مؤید حداقل میزان طرد از آموزش در جمعیت مطالعه است.

طرد از مراقبتهای بهداشتی - درمانی: این شاخص از ترکیب مولفه های نحوه دریافت و کیفیت ارائه خدمات از سوی مراکز بهداشتی - درمانی (سؤال ۴۱ پرسش نامه) و نیز مشکلات بهداشتی - درمانی پیش روی پاسخگویان و خانواده آنان (سؤال ۴۲) ساخته شده است. بر پایه نتایج بدست آمده (مدرج در جدول شماره ۳) شاخص مراقبتهای بهداشتی - درمانی با میانگین ۱۶/۱۹ (در فاصله ۱۰۰-۰ طرد بهداشتی)، وضعیت نسبتاً قابل قبولی از نظر برخورداری پاسخگویان و خانواده های آنان از مراقبتهای مذکور را نشان می دهد؛ ضمن آنکه حدود ۳۷ درصد پاسخگویان نیز در زمره افرادی قرار دارند که از مراقبتهای بهداشتی پایین یا بسیار پایین (روی مقیاس محرومیت از دسترسی) برخوردار بوده و به عبارت دیگر در محدوده طرد از مراقبتهای بهداشتی - درمانی لازم قرار دارند.

طرد از مسکن مناسب در خانواده پدری: برای سنجش و ارزیابی میزان عدم برخورداری از مسکن مناسب، شاخصی به همین نام ساخته شده است. برای ساخت این شاخص از سؤال ۲۷ (وضعیت منزل مسکونی) پرسشنامه استفاده شده است. بر حسب نمره میانگین، خانوارهای پدری (و به تبع آنها، پاسخگویان مجرد ساکن در منازل پدری)، از وضعیت مسکن نسبتاً نامناسب (با نمره محرومیت ۵۴ در مقیاس ۱۰۰-۰ طرد از مسکن مناسب) برخوردار می باشند.

طرد از مسکن مناسب در بین خود پاسخگویان: متغیر عدم برخورداری از مسکن مناسب در بین خود پاسخگویان نشان می‌دهد که حدود ۱۳ درصد آنان از مسکن مناسب بهره‌مند نیستند. واحدهای مسکونی تنها ۲/۵ درصد آنان، از امکانات و کیفیت "خوب" و مناسب برخوردار است و بقیه (۸۵ درصد) از این لحاظ در حد بینابین قرار دارند. همچنین به طور میانگین، پاسخگویان دارای منزل مستقل، در منازلی با امکانات و تسهیلات در حد متوسط (با رقم ۵۵ در فاصله ۰-۱۰۰ - محرومیت) زندگی می‌کنند و به عبارتی، کمتر از مسکن راحت و با امکانات خوب و مناسب برخوردار می‌باشند.

وضعیت نامطلوب محله مسکونی (طرد فضایی): وضعیت محله مسکونی از نظر برخورداری یا محرومیت از امکانات و تسهیلات مناسب است که با عنوان "طرد فضایی" در ادبیات طرد اجتماعی مطرح است. این شاخص (طرد فضایی یا فیزیکی) از ترکیب و مقیاس سازی (در دامنه صفر تا صد) دو سؤال ۲۹ (وجود/ نبود مشکلات در محل مسکونی) و ۳۰ (وجود/ نبود امکانات در محل مسکونی) در ارزیابی وضعیت از نگاه خود پاسخگویان ساخته شده است. سپس با توجه به نمره میانگین کل (۳۵/۶۹) حاصل از مقیاس، محلات به ۵ گروه دارای امکانات بسیار خوب، خوب، متوسط، بد و بسیار بد تفکیک شده‌اند. داده‌های جدول ۲، میانگین نمرات وضعیت محله‌های مسکونی را برابر ۳۵/۶۹ نشان می‌دهند که پایین‌تر از حد متوسط مقیاس محرومیت قرار داشته و نشان می‌دهد به طور متوسط، میزان محرومیت محله‌های مسکونی از نظر پاسخگویان نسبتاً کم بوده است.

طرد از ازدواج در میان مجردین: شاخص کلی طرد از ازدواج در افراد مجرد - به عنوان یکی از ابعاد طرد اجتماعی در محور دستیابی به حقوق اجتماعی - با استفاده از پرسش‌های قسمت دوم سؤال ۳۳ پرسشنامه ساخته شده است. بازه کمی (طیف امتیازات) این متغیر با توجه به نمره میانگین تعیین شده است. داده‌های جدول زیر گویای آن است که در مجموع حدود ۳۳ درصد (جمع ستونهای زیاد و خیلی زیاد) از پاسخگویان مجرد در حد زیاد، دارای ویژگی‌های افراد مطرود از بازار ازدواج می‌باشند. نمره میانگین شاخص مذکور نیز نشان می‌دهد که احتمال طرد از ازدواج در میان مجردین، در سطحی کمتر از متوسط (۳۱/۸ در مقیاس ۰-۱۰۰ - طرد از ازدواج) وجود دارد. بنابراین، هر چند جوانان مجرد مورد مطالعه، از نظر خطر طرد و محرومیت از ازدواج به موقع و مناسب، به طور میانگین، نمره چندان بالایی در این پژوهش بدست نیاورده‌اند و چنین خطری در سطحی کمتر از متوسط، آن‌ها را تهدید می‌کند، اما برحسب یافته‌های ما حداقل یک سوم آنان، به طور جدی در معرض چنین خطری قرار دارند.

میزان مشارکت اجتماعی رسمی (سازمان یافته): به منظور دستیابی به شاخصی جهت سنجش میزان طرد از مشارکت اجتماعی سازمان یافته و بررسی منسجم‌تر آن، با استفاده از سئوالات ۵۵ (میزان اعتماد به مراکز/ نهادها)، ۵۶ (میزان ارتباط با مراکز/ نهادها)، ۵۷ (شرکت در فعالیتهای جمعی) و ۱۱ (مشارکت در فعالیتهای

دبیرستان یا دانشگاه)، شاخص کلی میزان مشارکت اجتماعی سازمان یافته (با جهت گیری امتیازات به سمت طرد) ساخته شده است. میانگین مقیاس مذکور برابر ۵۰/۲۸ (در بازه ۰-۱۰۰ طرد از مشارکت) است که سطح متوسط میزان مشارکت را در میان پاسخگویان نشان می‌دهد.

میزان مشارکت اجتماعی غیررسمی: این شاخص با استفاده از ترکیب گویه‌های قسمت اول سئوال ۵۸ (میزان ارتباط فعلی شخص با گروهها و مراکز مختلف پیرامون) را می‌سنجد. نمره میانگین شاخص (۱۸/۸۵) در مقیاس ۰-۱۰۰ (عدم مشارکت) و داده‌های جدول فوق بیانگر آنند که میزان مشارکت غیررسمی در حد نسبتاً خوبی قرار دارد. به عبارت بهتر میزان طرد مشارکتی در حوزه ارتباطات غیررسمی آنان در بین جوانان مورد مطالعه پایین است و ارتباطات غیررسمی در سطح مطلوبی ارزیابی می‌شود.

جدول شماره ۳ - توزیع نسبی شاخص های طرد عینی

متغیر	بالا	متوسط	کم	میانگین (۰-۱۰۰)	طرد و محرومیت
شاخص طرد از ازدواج مناسب	متاهلین	۱۷/۷	۵۱/۶	۲۵/۹	
	مجردین	۳۳/۴	۳۰/۵	۳۶/۱	۳۱/۸۱
شاخص کلی عدم برخورداری از مسکن مناسب	پاسخگویان	۸۴/۸	۲/۵	۵۵/۰۵	
	خانواده پدري	۹/۷	۸۲/۸	۷/۵	۵۳/۹۹
شاخص کلی وضعیت نامطلوب محله مسکونی	۴۶/۶	۲۲/۷	۳۲/۶	۳۵/۶۹	
میزان مشارکت	رسمی	۳۶/۲	۳۳	۵۰/۲۸	
	غیررسمی	۶۲/۵	۱۳/۷	۲۳/۷	۱۸/۸۵
شاخص کلی عدم کیفیت اوقات و امکانات فراغت	۴۵	۳۲/۵	۲۲/۶	۴۳/۳۴	
محرومیت از آموزش	۸/۶	۴۲/۹	۵۵/۵	۲۶/۵	

عدم کیفیت اوقات فراغت: برای ساخت این شاخص از ترکیب پرسش‌های ۳۴ (به کدامیک از فعالیتهای فراغتی می‌پردازید) و ۳۵ (میزان رضایت پاسخگو از نحوه گذران اوقات فراغت خود) استفاده شده است، همانگونه که

مشاهده می‌شود، میانگین شاخص مذکور عدد ۴۳/۳۴ (در مقیاس ۱۰۰-۰ عدم کیفیت فراغت) بوده و نشان می‌دهد که در کل، کم و کیف امکانات گذران فراغت در جامعه مورد پژوهش (نوجوانان و جوانان)، کمی از حد متوسط بالاتر یا تقریباً در حد بینابین (نه خوب و نه بد) می‌باشد.

طرد از بازار کار: بر خورداری یا محرومیت از کار ثابت و مزددار، مؤلفه مهمی از بعد ادغام یا طرد از حقوق اجتماعی- فرهنگی به شمار می‌رود که در این پژوهش نیز مورد توجه و سؤال قرار گرفته است. اطلاعات حاصل برحسب نوع شغل و بخشی که شاغلین در آن مشغول بکار هستند، در جدول ۴ ذکر شده است. داده‌های جدول مذکور بیانگر آن است که از ۱۹۸ نفر پاسخگوی شاغل، ۵۸ درصد دارای شغل دائم و ۴۲ درصد دارای شغل موقت بوده‌اند. ۵۶ درصد از پاسخگویان شاغل به صورت تمام وقت و ۴۴ درصد به طور پاره وقت کار می‌کرده‌اند. ۸۰ درصد آنان اظهار داشته‌اند در بخش خصوصی و مابقی در بخش دولتی مشغول بکار هستند. در نهایت، ۷۵ درصد از همسر پاسخگویان دارای شغل دائم و مابقی موقت، ۷۹ درصد به صورت تمام وقت و ۲۱ درصد به طور پاره وقت و ۷۱ درصد در بخش خصوصی و مابقی در بخش دولتی مشغول بکار بوده‌اند. در مجموع، همانطور که داده‌ها نشان می‌دهند، بیش از ۴۰ درصد از پاسخگویان شاغل دارای شغل موقت و پاره وقت هستند که بیانگر وضعیت غیرثبات و نامطمئن جوانان در حوزه اشتغال یا به تعبیری، طرد از بازار کار مناسب می‌باشد.

جدول ۴. توزیع نسبی وضعیت شغل پاسخگویان

عنوان	وضعیت اشتغال اعضا	نوع شغل				بخش							
		دائم	موقت	کل	تعداد	خصوصی	دولتی	کل	تعداد				
پاسخگو	پاسخگو	۵۸/۱	۴۱/۹	۱۰۰	۱۹۸	۵۶/۴	۴۳/۶	۱۰۰	۱۱۷	۷۹/۸	۲۰/۲	۱۰	۲۳۸
همسر	همسر	۷۴/۴	۲۵/۶	۱۰۰	۱۲۱	۷۹	۲۱	۱۰۰	۶۲	۷۱/۶	۲۸/۴	۱۰۰	۱۳۴

جدول ۵ مرجع کاریابی یا معرفی شغل فعلی پاسخگویان را نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که شبکه‌های رسمی مرتبط با کاریابی در یافتن شغل، کمتر و شبکه‌های غیررسمی و خانوادگی، بیشتر مرجع کاریابی و معرفی شغل فعلی به پاسخگویان بوده‌اند.

جدول ۵. توزیع نسبی مرجع معرفی شغل فعلی پاسخگویان شاغل

عنوان	خودم	خانواده	خویشاوندان	دوستان و آشنایان	سازمانهای دولتی	مراکز کاریابی	کل	تعداد
مرجع معرفی شغل فعلی	۵۱/۲	۲۰/۴	۸/۸	۱۳/۴	۰/۶	۵/۵	۱۰۰	۳۲۸

نظر به اهمیت ورود زود هنگام یا دیر هنگام افراد به بازار کار در مبحث طرد، در این پژوهش سن آغاز به کار پاسخگویان نیز مورد سوال بوده است. نتایج جدول شماره ۶، داده‌های مربوط به این متغیر را نشان می‌دهد. برای روشن تر شدن وضعیت پاسخگویانِ محصل/غیر محصل و دانشجو/غیردانشجو، ابتدا سن آغاز به کار آنان در جدولی تقاطعی با وضعیت اشتغال به تحصیل بررسی شده است. اطلاعات این جدول بیانگر آن است که در کل، ۶ درصد (۲۰ نفر) از پاسخگویانی که در حال تحصیل در دبیرستان هستند، در سنین مختلف شروع بکار کرده‌اند. از این تعداد، ۶۵ درصد (۱۳ نفر) قبل از ۱۸ سالگی، ۳۰ درصد (۶ نفر) بین ۱۹-۲۴ سالگی و ۵ درصد (۱ نفر) بعد از ۲۵ سالگی شروع به کار نموده‌اند. همچنین ۱۹/۵ درصد (۶۶ نفر) از پاسخگویانی که در حال تحصیل در دانشگاه هستند، در رده‌های سنی مختلف شروع به کار کرده‌اند. ۲۷/۳ درصد (۱۸ نفر) قبل از ۱۸ سالگی، ۶۰/۶ درصد (۴۰ نفر) در سن ۱۹-۲۴ سالگی و ۱۲/۱ درصد (۸ نفر) بعد از ۲۵ سالگی مشغول بکار شده‌اند. در نهایت ۷۴/۶ درصد (۲۵۳ نفر) از پاسخگویانی که در حال تحصیل نبوده‌اند، در گروه‌های سنی مختلف شروع به کار کرده‌اند. از این تعداد ۳۶/۴ درصد (۹۲ نفر) قبل از ۱۸ سالگی، ۴۹ درصد (۱۲۴ نفر) در سن ۱۹-۲۴ سالگی و ۱۴/۶ درصد (۳۷ نفر) بعد از ۲۵ سالگی شروع به کار کرده‌اند.

جدول ۶. توزیع نسبی سن آغاز به کار بر حسب وضعیت اشتغال به تحصیل پاسخگویان شاغل

کل	سن آغاز به کار			توزیع	وضعیت اشتغال به تحصیل
	بالای ۲۵ سال	۱۹-۲۴ سال	زیر ۱۸ سال		
20	1	6	13	تعداد	در حال تحصیل در دبیرستان
5.9	2.2	3.5	10.6	درصد ستونی	
۱۰۰	۵	۳۰	۶۵	درصد سطری	
66	8	40	18	تعداد	در حال تحصیل در دانشگاه
19.5	17.4	23.5	14.6	درصد ستونی	
۱۰۰	۱۲/۱	۶۰/۶	۲۷/۳	درصد سطری	
253	37	124	92	تعداد	عدم اشتغال به تحصیل
74.6	80.4	72.9	74.8	درصد ستونی	
۱۰۰	۱۴/۶	۴۹	۳۶/۴	درصد سطری	
339	46	170	123	تعداد	کل
100.0	100.0	100.0	100.0	درصد	

جدول ۷ نشان می‌دهد که ۶۱ درصد از پاسخگویان غیرشاغل، بیکار بوده و بقیه آنان خانه‌دار بوده‌اند. ۸۲/۵ درصد از همسران پاسخگویان نیز، خانه‌دار و بقیه (۱۷/۲ درصد) بیکار - احتمالاً مایل به اشتغال - اعلام شده‌اند. جدول ۷. توزیع نسبی وضعیت عدم اشتغال پاسخگویان و همسران آنها

غیر شاغل					وضعیت اعضا	
کل	خانه-دار	بازنشسته	از کار افتاده	بیکار		
۱۰۰	۳۸/۲	-	-	۶۱/۸	درصد	پاسخگو
۴۰۵	۱۵۴	-	-	۲۵۱	تعداد	
۱۰۰	۸۲/۸	-	-	۱۷/۲	درصد	همسر
۵۸	۴۸	-	-	۱۰	تعداد	

نتایج جدول ۸ بیانگر آن است که ۳۰ درصد از پاسخگویانی که در گروه سنی ۱۵-۱۹ سال، ۴۴ درصد از پاسخگویانی که در گروه سنی ۲۰-۲۴ سال و ۲۷ درصدی که در گروه سنی ۲۵-۲۹ سال قرار دارند، بیکار می‌باشند. همچنین ۵/۵ درصد از پاسخگویان (زنان و دختران) واقع در گروه سنی ۱۵-۱۹ سال، ۳۰ درصد از پاسخگویانی گروه سنی ۲۰-۲۴ سال و ۶۵ درصد آنانی که در گروه سنی ۲۵-۲۹ سال قرار دارند، خانه‌دار می‌باشند.

جدول ۸. توزیع نسبی وضعیت عدم اشتغال به کار به تفکیک گروه سنی پاسخگویان

کل	گروه سنی			توزیع	وضعیت پاسخگوی غیرشاغل	
	25-29 سال	20-24 سال	15-19 سال			
251	70	107	74	تعداد	بیکار	عدم اشتغال
61.5	41.2	68.6	90.2	درصد ستونی		
۱۰۰	۲۶,۶	۴۳,۸	۲۹,۶	درصد سطری		
3	1	2	0	تعداد	از کار افتاده	
.۸	.6	1.3	.0	درصد ستونی		
۱۰۰	۳۳,۳	۶۶,۷	.۰	درصد سطری		
0	0	0	0	تعداد	بازنشسته	
.0	.0	.0	.0	درصد ستونی		
.0	.0	.0	.0	درصد سطری		
153	98	47	8	تعداد	خانه دار	
۳۷,۶	57.6	30.1	9.8	درصد ستونی		

۱۰۰	۶۴,۸	۲۹,۷	۵,۵	درصد سطری	
۴۰,۷	170	156	82	تعداد	کل
100.0	100.0	100.0	100.	درصد	

ابعاد کلی طرد عینی

همانطور که در ابتدای بحث طرد عینی گفته شد، این بعد طرد اجتماعی، از سه بعد فرعی تشکیل شده است : محرومیت مادی، محرومیت یا دسترسی ناکافی به حقوق اجتماعی و محرومیت از ادغام اجتماعی - فرهنگی. در صفحات پیشین به طور مفصل مؤلفه‌هایی که از ترکیب آن‌ها، ابعاد مذکور ساخته می‌شدند، توصیف گردید. در این قسمت، نتایج حاصل از ترکیب آن‌ها (شاخص کلی طرد عینی) و داده‌های مربوط به آن، ارائه می‌شود. لازم به ذکر است از آنجایی که همه متغیرها و شاخص‌های ساخته شده بعد از تغییر کدها به صفر (شمول یا عدم طرد) و یک (طرد) بدست آمده و هم وزن هستند، لذا ترکیب آن‌ها با یکدیگر امکان‌پذیر می‌باشد. شاخص محرومیت مادی (بعدهی اول از ابعاد سه گانه طرد) از ترکیب مؤلفه‌های بدهی معوقه، عدم کفاف درآمد، وابستگی در منبع درآمد و سرانه درآمد ناکافی ساخته شده است. رتبه‌بندی این شاخص نیز کما کان بر اساس تراکم فراوانی‌ها و در جهت طرد (امتیاز بالاتر، طرد بیشتر) صورت گرفته است.

نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد که حدود ۴۱ درصد از جوانان مورد مطالعه، در مجموع از منابع مادی محروم و تنها ۴۵ درصد آنان در این زمینه برخوردار (رده متوسط و بالاتر) محسوب می‌شوند. خط محرومیت مادی در جمعیت مورد مطالعه، امتیاز ۱۹/۵ بوده است. بدین معنی که پاسخگویانی که امتیاز مساوی یا بالاتر از این عدد گرفته‌اند، دچار محرومیت مادی هستند. براین اساس، مقدار میانگین نشان می‌دهد که جوانان مورد مطالعه به میزان کم (۱۹ در بازه ۰-۱۰۰ شاخص محرومیت) دچار محرومیت مادی بوده و در این بعد از طرد عینی، مطرود به شمار می‌آیند

شاخص محرومیت از دسترسی به حقوق اجتماعی (بعد دوم از ابعاد شاخص طرد) از ترکیب مؤلفه‌های محرومیت از دسترسی به آموزش، طرد از مراقبت بهداشتی، عدم برخورداری از مسکن مناسب (پدیری و پاسخگو)، وضعیت نامناسب محله مسکونی و طرد از ازدواج مناسب، ساخته شده است. رتبه‌بندی این شاخص نیز بر اساس نمره میانگین صورت گرفته است.

اطلاعات جدول ۹ حاکی از آن است که تنها حدود ۳۰ درصد از پاسخگویان جوان این پژوهش، به حقوق اجتماعی دسترسی کافی داشته و در نقطه مقابل، حدود ۴۵ درصد آنان از این حقوق محروم می‌باشند. خط

محرومیت از دسترسی به حقوق اجتماعی نیز امتیاز ، ۳۰/۶۷ بوده است. به عبارت دیگر امتیاز مساوی یا بیش از این نمره، به معنی محرومیت از دسترسی به حقوق اجتماعی اساسی (مادی و غیر مادی) بوده است.

شاخص محرومیت از ادغام اجتماعی-فرهنگی (بعد سوم طرد) از ترکیب مؤلفه‌های طرد از بازار کار، عدم مشارکت اجتماعی رسمی (سازمان یافته)، عدم مشارکت غیر رسمی و اوقات فراغت و امکانات فراغتی ناکافی ساخته شده است. رتبه‌بندی این شاخص نیز بر اساس نمره میانگین صورت گرفته است.

نتایج جدول ۹ حاکی از آن است که ادغام اجتماعی-فرهنگی در جمعیت جوان مورد مطالعه وضعیت چندان مناسبی ندارد. میانگین بدست آمده نشان می‌دهد که حدود نیمی (۴۸/۸٪) از پاسخگویان جوان از هر گونه مشارکت (اعم از رسمی و غیر رسمی) و نیز امکانات مناسب گذران فراغت بی‌بهره‌اند. امتیاز میانگین (۴۶/۴) نشان دهنده خط محرومیت از این شاخص است که رقمی نزدیک به متوسط (۴۶/۴) در بازه ۰-۱۰۰ محرومیت می‌باشد.

جدول ۹- توزیع نسبی مولفه‌های طرد عینی

متغیر	بالا	متوسط	کم	میانگین (۰-۱۰۰) طرد و محرومیت
شاخص محرومیت مادی	۴۵/۳	۱۳/۴	۴۱/۲	۱۹/۵۴
شاخص محرومیت از حقوق اساسی اجتماعی	۲۹/۸	۲۵/۵	۴۴/۸	۳۰/۶۷
شاخص محرومیت از ادغام اجتماعی - فرهنگی	۱۷	۳۴/۱	۴۸/۸	۴۶/۴۲

شاخص کلی طرد عینی

شاخص کلی طرد عینی از ترکیب شاخص‌ها یا ابعاد ۳ گانه محرومیت مادی، محرومیت از دسترسی به حقوق اجتماعی و محرومیت از ادغام اجتماعی-فرهنگی بدست آمده است. تجمع جنبه‌های مختلف طرد اجتماعی بعنوان یک وضعیت "محرومیت‌های چندگانه و انباشتی" با استفاده از شاخص مذکور و برحسب نمره آستانه

طرد (عدد میانگین شاخص) و قرار گرفتن افراد معین-مطروودین- در حد بالای آستانه یا خط طرد مفروض بدست آمده است.

همانطور که جدول ۱۰ نشان می‌دهد، نمره میانگین شاخص طرد عینی برابر با رقم ۳۶/۳۶ است. بنابراین خط طرد(عینی) مبنا، امتیاز ۳۶/۳۶ میباشد. بدین معنی که امتیاز مساوی یا کمتر از این نمره، به معنای شمول (عدم طرد) و امتیاز بیشتر از آن مترادف طرد عینی به شمار می‌رود. لذا با توجه به نمره میانگین میتوان گفت ۴۹/۵ درصد (۵۵۸ نفر) از پاسخگویان (افراد واقع در زیر خط طرد) غیرمطروود، ۴/۱ درصد (۳۱ نفر) آنان روی خط طرد و ۴۶/۴ درصد (۵۳۰ نفر) بالای خط مذکور و بنابراین، به طور نسبی مطروود می باشند.

جدول ۱۰. توزیع نسبی شاخص کلی طرد عینی

متغیر	توزیع پاسخها(درصد)					تعداد	میانگین (۰-۱۰۰)	میانها	نما ^{۲۰}
	خیلی زیاد (۱۰۰-۶۴)	زیاد (۶۳-۴۸)	متوسط (۴۷-۳۲)	کم (۳۱-۱۶)	خیلی کم (۱۵-۰)				
طرد عینی	۴/۹	۱۶/۶	۳۸/۸	۳۲/۲	۷/۵	۱۱۱۹	۳۶/۳۶	۳۵/۶	۲۱

در این زمینه، جدول مقایسه دو جنس نشان می‌دهد اختلاف میانگین شاخص طرد عینی در بین دو گروه زنان و مردان جوان مورد مطالعه، معنی‌دار نبوده و طرد عینی در بین هر دو جنس با تفاوتی ناچیز، تقریباً به یک میزان (میانگین ۳۶ در بازه ۰-۱۰۰) مشاهده می‌شود.

جدول ۱۱. توزیع نسبی شاخص کلی طرد عینی به تفکیک جنس

متغیر	جنس	توزیع پاسخها(درصد)	تعداد	آماره‌ها
-------	-----	--------------------	-------	----------

^{۲۰} اعداد دیگری نیز به عنوان این آماره بدست آمده‌اند، اما نمای مشاهده شده، کوچکترین ارزشی است که استخراج شده است.

سطح معناداری	آزمون F	میانگین (۰-۱۰۰)		خیلی کم (۰-۱۵)	کم (۱۶-۳۱)	متوسط (۳۲-۴۷)	زیاد (۴۸-۶۳)	خیلی زیاد (۶۴-۱۰۰)		
۰/۱۵۷	۰/۰۳۳	۳۶/۴۴	۵۳۹	۶/۷	۳۲/۸	۳۹/۵	۱۶	۵	زن	طرد عینی
		۳۶/۲۸	۵۸۰	۸/۳	۳۱/۶	۳۸/۱	۱۷/۲	۴/۸	مرد	

مقایسه میانگین شاخص میان سه گروه سنی مورد مطالعه (جدول ۱۲) نیز نشان می‌دهد که طرد عینی در بین جوانان / پاسخگویان رده سنی ۲۹-۲۵ سال، بیش از دو گروه سنی دیگر بوده و اختلاف میانگین مشاهده شده با توجه به آزمون F معنی‌دار می‌باشد. در نقطه مقابل، در بین نوجوانان ۱۹-۱۵ سال نسبت به دو گروه سنی دیگر، طرد عینی کمتر مشاهده شده است.

جدول ۱۲. توزیع نسبی شاخص کلی طرد عینی به تفکیک سن

آماره‌ها		توزیع پاسخ‌ها (درصد)							گروه سنی	متغیر
سطح معناداری	آزمون F	میانگین (۰-۱۰۰)	تعداد	خیلی کم (۰-۱۵)	کم (۱۶-۳۱)	متوسط (۳۲-۴۷)	زیاد (۴۸-۶۳)	خیلی زیاد (۶۴-۱۰۰)		
۰/۰۰۰	۱۸/۹۸	۳۲/۵۹	۳۵۰	۱۲	۳۹/۱	۳۶/۳	۹/۱	۳/۴	۱۵-۱۹ سال	طرد عینی
		۳۶/۸۴	۳۸۰	۶/۳	۳۰/۸	۴۰/۸	۱۸/۴	۳/۷	۲۰-۲۴ سال	
		۳۹/۲۵	۳۸۷	۴/۴	۲۷/۴	۳۹/۳	۲۱/۴	۷/۵	۲۵-۲۹ سال	

همچنین مقایسه میانگین شاخص طرد در بین جوانان سه شهر مورد مطالعه، حاکی از آن است که میزان طرد عینی در بین جوانان ساکن دو شهر پاکدشت و اسلامشهر در حد قابل ملاحظه‌ای (۷-۴ درصد) در نمره

میانگین کل شاخص) بیش از جوانان ساکن تهران است. آزمون F نیز معنی دار بودن این تفاوت را بین مناطق شهری یاد شده تایید کرده است.

جدول ۱۳. توزیع نسبی شاخص کلی طرد عینی به تفکیک شهر محل اقامت

آماره‌ها			تعداد	توزیع پاسخ‌ها (درصد)					محل اقامت	متغیر
سطح معناداری	آزمون F	میانگین (۰-۱۰۰)		خیلی کم (۰-۱۵)	کم (۱۶-۳۱)	متوسط (۳۲-۴۷)	زیاد (۴۸-۶۳)	خیلی زیاد (۶۴-۱۰۰)		
۰/۰۰۱	۶/۹۱۱	۳۵/۴۲	۸۴۸	۹/۴	۳۲/۸	۳۷/۴	۱۵/۴	۵	تهران	
		۳۹/۲۷	۱۹۶	۱/۵	۳۰/۱	۴۲/۳	۲۰/۹	۵/۱	اسلامشهر	
		۳۹/۳۸	۷۵	۱/۳	۳۰/۷	۴۵/۳	۱۸/۷	۴	پاکدشت	

در مجموع و بر اساس نمره میانگین شاخص کلی طرد عینی، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که میزان طرد عینی در بین جوانان ۲۹-۲۵ سال (عم از زن و مرد) و جوانان ساکن دو شهر پاکدشت و اسلامشهر بیش از سایر گروه‌ها و مناطق بوده است. بنابراین می‌بایست به جوانان واقع در رده سنی ۲۹-۲۵ سال و ساکنین شهرهای حاشیه‌ای و محروم به عنوان گروه‌ها و مناطق پر خطر توجه بیشتری شده و سیاست‌گذاری‌های مناسبی جهت رفع طرد و ادغام واقعی و همه جانبه آنان به انجام برسد.

(ب) طرد ذهنی

احساس مطرود بودن یا محرومیت از حقوق و امتیازات و ارزیابی گروه‌های مختلف اجتماعی از موقعیت خود در یک جامعه- به عنوان بازتاب شرایط عینی که در آن واقع‌اند، و نیز انتظارات و تصوراتی که از وضعیت مطلوب در ذهن دارند- جنبه مهمی از مفهوم طرد اجتماعی است. نظر به اهمیت اساسی این جنبه از طرد اجتماعی، در پژوهش حاضر نیز پس از شناسایی و برآورد ابعاد مختلف طرد عینی جوانان، به شیوه‌ای مناسب و در قالب چند سؤال، اقدام به سنجش میزان طرد ذهنی آنان شده است. نتایج بررسی در محورهای زیر ارائه و مورد بحث قرار گرفته‌اند

در قسمت اول این سؤال، پاسخگویان نظر خود را در مورد اهمیت هر کدام از مقولات مورد نیاز مطرح شده مشخص نموده‌اند. برای بررسی دقیق‌تر نتایج حاصل از این سؤال، از روش تحلیل عاملی استفاده شده است. جدول زیر توزیع نسبی عامل‌های بدست آمده را نشان می‌دهد.

جدول ۱۴. توزیع نسبی اهمیت امکانات رفاه و بهزیستی از نظر خود جوانان

عامل	توزیع پاسخ‌ها (درصد)			میانگین (۰-۱۰۰)
	کم	متوسط	زیاد	
امکانات و استقلال مادی- رفاهی	۲/۲	۶/۵	۹۱/۳	۱۱/۵۳
حقوق و فرصت‌های مشارکت و پیشرفت	۹/۸	۲۵/۴	۶۴/۸	۲۷/۷۹
آموزش، تفریح و سلامتی	۱/۱	۵	۹۳/۹	۱۰/۱۷

بر اساس روش کدگذاری معمول در این پژوهش، در این سؤال نیز، هرچه اهمیت گویه یا عاملی از نظر پاسخگو بیشتر بوده باشد، نمره کمتری را به خود اختصاص داده است. بنابراین چنانکه مشاهده می‌شود، عامل آموزش، تفریح و سلامتی با میانگین ۱۰/۱۷، و داشتن اهمیت زیاد برای ۹۳/۹ درصد پاسخگویان، دارای بالاترین میزان اهمیت در بین سایر عوامل می‌باشد.

بعد از آن، عامل امکانات و استقلال مادی- رفاهی با میانگین ۱۱/۵۳ قرار گرفته که برای ۹۱/۳ درصد جامعه آماری اهمیت زیادی نیز دارد. عامل حقوق و فرصت‌های مشارکت و پیشرفت، برای پاسخگویان این پژوهش با میانگین ۲۷/۷۹ و فراوانی نسبی ۶۴/۸ درصد (رده زیاد) در بین پاسخگویان، کمترین میزان اهمیت را در بین ۳ عامل یاد شده، دارا بوده است.

بنابراین به نظر می‌رسد در مجموع اگرچه بیش از نیمی از جوانان مورد مطالعه به مسئله حقوق و فرصت‌های مشارکت اجتماعی و پیشرفت فردی نیز اهمیت زیاد می‌دهند، اما میزان اهمیتی که برای مقوله آموزش، تفریح و سلامتی و پس از آن امکانات و استقلال مادی- رفاهی قائل می‌شوند، بسیار بیشتر از وجود فرصت‌ها و تأمین حقوق اجتماعی و فردی آنها می‌باشد.

کمبود/ عدم برخورداری از امکانات و ضروریات زندگی از نظر خود جوانان

به منظور بررسی نتایج حاصل از پاسخ جوانان به کمبود امکانات ضروری زندگی جوانان نیز از تحلیل عاملی استفاده شده است یافته‌ها حاکی از آن است که در ارزیابی خود جوانان از وضعیت، نیازها و محرومیت هایشان،

مسئله اصلی جوانان مورد مطالعه، احساس کمبود و خلاء امکانات مربوط به نیازها و حقوق اساسی نظیر آموزش و مهارت، کار، مسکن، درآمد، تفریح و سرگرمی (عامل اول) و در مراتب بعد، حقوق اجتماعی و فردی، من جمله مشارکت و امکان خدمت اجتماعی- سیاسی، فرصت پیشرفت شخصی در زندگی (عامل دوم) و ارتقاء سلامت جسمی و روحی (عامل سوم) است.

جدول ۱۵. توزیع نسبی کمبود/ عدم برخورداری از امکانات رفاه و بهزیستی

عامل	توزیع پاسخها (درصد)			میانگین (۰-۱۰۰)
	زیاد	متوسط	کم	
کمبود امکانات آموزشی- رفاهی	42/3	34/8	22/9	43/38
کمبود حقوق و فرصت‌های مشارکت اجتماعی و پیشرفت	20/2	45/2	34/6	55/13
کمبود سلامت جسمی- روحی و امکان ازدواج	19/2	36/5	44/3	59/71

شاخص کلی طرد ذهنی

شاخص کلی طرد ذهنی از ترکیب سئوالات مربوطه در مورد اهمیت و در عین حال، عدم برخورداری جوانان از امکانات، فرصت‌ها و ضروریات زندگی ساخته شده است. داده های جدول ۱۶ توزیع نسبی شاخص طرد ذهنی پاسخگویان را نشان میدهد. براساس نمره میانگین شاخص مذکور یا به اصطلاح "خط طرد ذهنی"، افراد دچار طرد ذهنی از گروه مقابل (کسانی که دارای چنین ذهنیتی نیستند) جدا گردیده اند. به عبارت دیگر پاسخگویانی که امتیازی بالاتر از نمره میانگین بدست آورده‌اند، دچار طرد ذهنی و در صورت کسب امتیاز کمتر از آن، فاقد ذهنیت یا احساس مطرودبودگی هستند. لذا می توان گفت ۴۳/۶۵ درصد (۳۲۰ نفر) از پاسخگویان فاقد احساس طرد ذهنی، ۳/۸ درصد (۳۰ نفر) روی خط طرد و ۵۲/۵ درصد (۳۸۶) به لحاظ ذهنی مطرود (دچار احساس مطرودبودگی) محسوب می‌شوند.

جدول ۱۶. توزیع نسبی شاخص کلی طرد ذهنی

متغیر	توزیع پاسخها (درصد)				تعداد	میانگین (۰-۱۰۰)	میانه	نما
	خیلی زیاد (۱۰۰-)	زیاد (۴۷-)	متوسط (۳۵-)	کم (۲۳-)				

				(۰)	(۱۲)	(۲۴)	(۳۶)	(۴۸)	
۴۰	۳۶/۹۲	۳۶/۲۱	۷۳۶	۱۱/۵	۱۳/۲	۲۱/۵	۲۷/۹	۲۶	طرد ذهنی

از سوی دیگر، در مقایسه بین دو جنس، نتایج آزمون بعمل آمده (جدول ۱۷) بیانگر آن است که بین میانگین احساس طرد ذهنی در دو جنس، تفاوت معنی دار وجود نداشته و ذهنیت مذکور در بین دو گروه تقریباً به یک میزان وجود دارد.

جدول ۱۷. توزیع نسبی شاخص کلی طرد ذهنی به تفکیک جنس

آماره‌ها			تعداد	توزیع پاسخ‌ها (درصد)					جنس	متغیر
سطح معناداری	آزمون F	میانگین (-۱۰۰) (۰)		خیلی کم (-۱۱) (۰)	کم (-۲۳) (۱۲)	متوسط (-۳۵) (۲۴)	زیاد (-۴۷) (۳۶)	خیلی زیاد (-۱۰۰) (۴۸)		
۰/۵۵۵	۰/۳۴۹	۳۵/۸۲	۳۶۶	۱۱/۷	۱۵/۸	۱۸/۹	۲۶/۲	۲۷/۳	زن	طرد ذهنی
		۳۶/۵۸	۳۷۰	۱۱/۴	۱۰/۵	۲۴/۱	۲۹/۵	۲۴/۶	مرد	

مقایسه میانگین شاخص طرد ذهنی در گروه‌های سنی نیز نشان از اختلاف معنی دار این شاخص در سطح سه گروه سنی این پژوهش دارد. به طوریکه احساس طرد ذهنی در بین جوانان ۲۰-۲۹ سال (حد بالای طیف سنی جوان) بیش از نوجوانان ۱۹-۱۵ سال، به چشم می‌خورد. جدول ۱۸. توزیع نسبی شاخص کلی طرد ذهنی به تفکیک سن

آماره‌ها			تعداد	توزیع پاسخ‌ها (درصد)					گروه سنی	متغیر
سطح معناداری	آزمون F	میانگین (-۱۰۰) (۰)		خیلی کم (-۱۱) (۰)	کم (-۲۳) (۱۲)	متوسط (-۳۵) (۲۴)	زیاد (-۴۷) (۳۶)	خیلی زیاد (-۱۰۰) (۴۸)		
۰/۰۱۴	۴/۲۹۳	۳۳/۳۲	۲۱۵	۱۷/۷	۱۳/۵	۲۳/۷	۲۱/۴	۲۳/۷	۱۵-۱۹ سال	طرد ذهنی

		۳۷/۷۷	۲۵۰	۸/۴	۱۳/۶	۱۸/۴	۳۲/۴	۲۷/۲	سال ۲۰-۲۴
		۳۷/۰۳	۲۷۰	۹/۶	۱۲/۶	۲۲/۶	۲۸/۹	۲۶/۳	سال ۲۵-۲۹

در نهایت ، مقایسه میانگین شاخص کلی طرد ذهنی در سه شهر مورد مطالعه در این پژوهش نیز نشان از عدم وجود تفاوت معنی دار میان مناطق دارد. به عبارت دیگر ، طرد ذهنی یا احساس مطرودبودگی در بین جوانان ساکن در سه شهر تهران، اسلامشهر و پاکدشت تقریباً به یک میزان وجود دارد.

جدول ۱۹. توزیع نسبی شاخص کلی طرد ذهنی به تفکیک شهر محل اقامت

آماره‌ها			تعداد	توزیع پاسخ‌ها(درصد)					محل اقامت	متغیر
سطح معناداری	آزمون F	میانگین (۰-۱۰۰)		خیلی کم(۱۱-)	کم(۲۳-)	متوسط(۳۵-)	زیاد(۴۷-)	خیلی زیاد(۱۰۰-)		
۰/۳۳۲	۱/۱۰۵	۳۵/۷۱	۵۷۸	۱۳/۷	۱۴/۴	۱۹/۷	۲۵/۸	۲۶/۵	تهران	طرد ذهنی
		۳۷/۸۳	۸۳	۶	۹/۶	۲۵/۳	۳۲/۵	۲۶/۵	اسلامشهر	
		۳۸/۲۵	۷۵	۱/۳	۸	۳۰/۷	۳۸/۷	۲۱/۳	پاکدشت	

با توجه به داده‌های فوق ، در مجموع می‌توان گفت که شاخص طرد ذهنی (کل) ، گروه‌های سنی بالاتر (۲۹-۲۵ سال) را بیشتر از سنین پائین شامل می‌شود ، اما جنسیت و شهر محل اقامت تأثیر معنی داری بر روی این شاخص در بین جوانان مورد مطالعه نداشته است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً ورود به دنیای کار، تحصیل و زندگی مستقل و نیز گستره وسیعتر روابط اجتماعی در رده‌های سنی بالاتر، جوانان را بیشتر درگیر زندگی آستانه بزرگسالی و کمبودهای آن نموده و تجربه عینی محرومیت ها و فقدانهای اساسی در این مرحله ، در نهایت ارزیابی ذهنی آنان نسبت به امکانات و فرصتهای پیرامونشان را در جهت منفی (عدم بهره-مندی و محرومیت) تغییر داده و تقویت می‌کند. جالب اینکه ذهنیت منفی یا احساس مطرودبودگی یادشده ، در هر دو جنس به یک میزان بوده و در نواحی شهری محرومتر نظیر پاکدشت و اسلامشهر، تقریباً مشابه تهران

می‌باشد و بنابراین، در میان جوانان، اعم از دختر و پسر و تهرانی و غیرتهرانی، در حد قابل ملاحظه‌ای عمومیت دارد.

خلاصه و نتیجه گیری

این بررسی با هدف شناخت و سنجش طرد اجتماعی جوانان و علل و شرایط زمینه ساز آن، در پی بدست دادن تصویر و تبیینی از این مسئله در سطح خرد بوده است. میدان پژوهش حاضر، شهر تهران و دو شهر حاشیه آن، اسلامشهر و پاکدشت و جمعیت آماری مورد بررسی، جوانان ۱۵-۲۹ سال بوده اند. در پرتو رهیافت نوین طرد اجتماعی، وضعیت نوجوانان و جوانان در متن زندگی واقعی و شرایط زیست آنان در خانواده، محیطهای آموزشی و اجتماع محلی در مراحل مختلف زندگی، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و برحسب شاخصهای جزئی و کلی، تصویری از محرومیت‌های زنجیره ای و مزمنی که آنان از گذشته تا حال بطور عینی و ذهنی تجربه کرده اند، بدست داده شده است.

در چشم انداز طرد اجتماعی، فقر و محرومیت، نه فقط نقطه ای از زندگی فرد یا باصطلاح یک "وضعیت"، بلکه در واقع یک "فرایند" یا جریان پیچیده است و زمانی بوجود می آید که گروهها یا بخشهایی از یک جامعه، به دلایل اغلب غیر ارادی و ناخواسته و در یک روند تدریجی و انباشتی، دچار زنجیره ای از محرومیت ها یا فقدانهای اساسی گردیده و از آنچه برای یک زندگی معمول، سالم و بهنجار فردی و اجتماعی در هر جامعه لازم است جدا و دور میگردند. افراد و گروههای مذکور بر حسب خصایص، شرایط و حوادثی در گذشته زندگی خود، که بین آنان (غیرعادی) و دیگران (عادی) تفاوت ایجاد می کند، از جریان اصلی توزیع منابع و فرصتهای اجتماعی، جدا شده یا بیرون رانده میشوند. این جداشدگی یا طرد، که ماهیت و خصلتی پویا و تجمعی دارد، نه تنها وضعیت فعلی زندگی آنان را به شکل منفی متاثر میسازد، بلکه به آینده آنان و فرزندانشان نیز، جریان و انتقال پیدا کرده و آنها را در معرض خطر، تهدید و آسیب دیدگی جدی قرار می دهد؛ بطوریکه گفته شده خلاصی از این تله (تله طرد)، کاری بس دشوار و اغلب ناممکن در سطح فردی و نیازمند اقدامات اصلاحی و مداخله ای فرا فردی در سطح اجتماعی و سیستمی خواهد بود.

جوانان از جمله گروههای اجتماعی مهمی هستند که در حال حاضر محققین جهانی، مدعی جریانها و شرایط مطرودساز و عدم حمایت‌های اجتماعی لازم از آنان در جوامع فعلی، بویژه در کشورهای در حال توسعه و انتقال، هستند. طردی که کمتر بطور آشکار و محسوس دیده شده و اغلب انکار میشود. با اینحال، بررسی تجربی موضوع در استان تهران و یافته ها و شواهد حاصل از این پژوهش، مسئله طرد یا عدم شمول اجتماعی جمعیت جوان و چرایی و چگونگی آنرا در ابعاد و وجوه مختلف به شکل قابل تاملی نمایان ساخته است. در بعد توصیفی، براساس شاخص ترکیبی (کلی) طرد اجتماعی و نمره آستانه طرد- نمره میانگین یا خط جداکننده مطرودین از

غیر مطرودین- می توان گفت جوانان مورد مطالعه، از نظر طرد عینی از یک وضعیت "قطبی" برخوردارند؛ بدین معنی که قریب نیمی (۴۶/۴ درصد) از آنان از مجموعی از محرومیت های چندگانه، مزمن و انباشت شده در رنج بوده و بنابراین، طرد همه جانبه را تجربه کرده و مطرود^{۲۱} بحساب می آیند و نیمی دیگر (۴۹/۵ درصد) در قطب مقابل آنان قرار گرفته و بطور نسبی، در زمینه های مختلف برخوردارتر بوده و باصطلاح "ادغام شده"^{۲۲} یا در شرایط شمول اجتماعی نسبی بسر میبرند. ۴/۱ درصد آنان نیز روی خط طرد (میانگین) یا به تعبیری در "لبه پرتگاه" قرار داشته و آماده سقوط به وادی طرد اجتماعی و پیوست به مطرودین هستند.

نتایج مربوط به ابعاد سه گانه طرد عینی نیز حاکی از این است که در بعد محرومیت مادی (ترکیب مولفه های فاصله درآمد- هزینه، سرانه در آمد خانوار، بدهی معوق، وابستگی درآمدی) ۴۱٪ جوانان مورد مطالعه بالاتر از حد میانگین شاخص (امتیاز ۱۹/۵) و بنابراین بطور نسبی طرد شده هستند. در بعد محرومیت از حقوق اجتماعی اساسی (ترکیب مولفه های آموزشی، مراقبت بهداشتی، مسکن و محله مسکونی مناسب و ازدواج) نیز، قریب ۴۵٪ از افراد مورد مطالعه بالاتر از حد میانگین شاخص (امتیاز ۳۰/۷) و بنابراین دچار طرد میباشند. در بعد محرومیت از ادغام اجتماعی- فرهنگی (مشارکت در کار و اشتغال، مشارکتهای اجتماعی رسمی و غیررسمی و امکانات فرهنگی- فراغتی مناسب) نیز، حدود نیمی (۴۸/۸٪) از جوانان مذکور بالاتر از میانگین شاخص (امتیاز ۴۶/۴) بوده و بنابراین، دچار طرد یا عدم ادغام اجتماعی- فرهنگی مناسب و کافی میباشند.

در مجموع یافته های پژوهش دال بر آن است که از دو منظر اقتصادی و اجتماعی، اوضاع و احوال مادی- رفاهی و نیز اجتماعی- فرهنگی قریب نیمی (۴۰ تا ۵۰ درصد) از نوجوانان و جوانان مورد مطالعه، در واقع و بر اساس شاخصهای تعریف شده، نابسامان بوده و جوانان مذکور بطور عینی طرد قابل ملاحظه ای را تجربه میکنند. مقایسه نمرات آستانه طرد (میانگین های سه شاخص) نیز نشان میدهد جوانان مطرود، بویژه از حیث حقوق اجتماعی اساسی یعنی حق آموزش، اشتغال، ازدواج، بهداشت و سلامت، مسکن و نیز فراغت و مشارکت اجتماعی (ادغام اجتماعی- فرهنگی)، دچار ضیق امکانات و مشکلاتی بمراتب شدیدتر و دیرپاتر از محرومیتهای مادی پایه و اولیه هستند.

در بعد تحلیلی مسئله، آنالیز واریانس طرد عینی برحسب عوامل اصلی خطرزا (جنس، سن و شهر محل سکونت) مطرح در مدل مفهومی طرد، نتایج پژوهش ما نشان میدهد جوانان رده سنی ۲۹-۲۵ سال، در مقایسه با گروه سنی پایین تر (۱۹-۱۵ سال)، گروه اصلی در خطر طرد اجتماعی هستند که بطور معنی داری از

²¹ Excluded

²² Included

میزانهای بالاتری از طرد در همه ابعاد رنج میکشند. این امر تاییدی بر رویکرد حاکم بر این مطالعه است که در اصل، جوانی را بعنوان دوره جریانهای چندگانه و اساسی انتقال به بزرگسالی تعریف میکند. دوره یا مرحله ای بحرانی که پژوهش های مختلف نشان میدهند طی این دوره، عوامل مرتبط با فقر و محرومیت های جوانان در جوامع مختلف، بویژه کشورهای در حال توسعه ای نظیر ما، پیچیده تر و آسیب زاتر میشود.

در محور جنسیت و توجه به عامل تفاوت های جنسیتی در نرخ های طرد و شمول نیز یافته های مطالعه ما نشان داد جنسیت، به غیر از بعد مادی (فقر و محرومیت های اقتصادی)، در سایر ابعاد طرد (اجتماعی - فرهنگی و حقوق اساسی) تاثیر معنی دار نداشته است. بنابراین در مقطع کنونی، طرد اجتماعی جوانان در همه ابعاد بجز بعد اقتصادی - که در آن دختران و زنان جوان کمی بیشتر از پسران و مردان هم سن و سال خود دچار آسیب میگردند - اساسا فراجنس بوده و عموم نوجوانان و جوانان اعم از زن و مرد را درگیر ساخته و هدف قرار داده است.

بدین ترتیب براساس نتایج سنجش الگوی طرد در ترسیم نمایی کلی از وضعیت یا " نیمرخ طرد"^{۲۳} جوانان در جامعه ما، حدود نیمی از نوجوانان و جوانان (دختر و پسر) مورد مطالعه در گستره وسیعی از سن (۲۹-۱۵) جوانی و انتقال های اساسی آن و در نقاط مختلف جغرافیای شهری، اعم از تهران و شهرهای حاشیه مرکز، در خطر طرد اجتماعی بالاتر از حد "متوسط" قرار داشته و در حال حاضر، در وضعیت محرومیت های چندگانه و مزمن بسر میبرند. از سوی دیگر برحسب شاخص کلی طرد ذهنی (فاصله تصورات و انتظارات جوانان از واقعیت زندگی شان در حوزه نیازهای اساسی مد نظر خود آنان) و نمره میانگین شاخص مذکور (خط قراردادی طرد ذهنی) نیز بیش از نیمی (۵۲/۲ درصد) از نوجوانان و جوانان مورد مطالعه، دچار طرد ذهنی یا احساس دورافتادگی نسبی از منابع، امکانات و فرصت های مادی و غیرمادی لازم برای کیفیات زندگی قابل قبول و مناسب یک جوان در شرایط فعلی و برحسب استانداردهای معمول در جامعه ما هستند. با لحاظ افراد (۳/۸ درصد) روی خط میانگین شاخص، یا افراد باصطلاح "در معرض خطر"، درصد مطرودین ذهنی به ۵۶ درصد کل پاسخگویان جوان میرسد که رقمی بالا و قابل تامل است.

در مجموع وبر حسب یافته های پژوهش میتوان نتیجه گرفت که قرار گرفتن حدود نیمی از جمعیت نوجوان و جوان جامعه ما در فرایند و شرایط محرومیت ها و تنگناهای مادی و غیرمادی (اجتماعی - فرهنگی) منجر به طرد و نیز احساس خارج از گود بودن در میان بیش از نیمی از آنان، بمعنای عمومیت یا اجتماعی بودن مسئله

در علل و ریشه‌ها و نیز پیامدها و نتایج آن است. از اینرو، همصدا با صاحب‌نظران و محققین مربوطه باید گفت طرد اجتماعی جوانان در جوامعی نظیر ما، اغلب بازتابی از نابسامانی و عدم تناسب مفروض و موجود در برنامه ریزیها و سیاست‌گذاریهای ملی و محلی در حوزه اقتصاد و اجتماع است که همراه با موجهای افزایش جمعیت ملی و گسترش ارتباط و تاثیر پذیری با / از جهان در شرایط توسعه و تغییرات مستمر اقتصاد، اجتماع، سیاست و فرهنگ در دوسطح، بصورت اشکالی از محرومیت، نابرابری و تبعیض مزمن و فراگیر عام و خاص (گروههای اجتماعی، مناطق و محلات خاص) تولید میشود و بخشهایی وسیع از جامعه و جمعیت را در تله قرار میدهد. بنابراین، مشکل طرد جوانان اساساً ناشی از ضعف، شکنندگی و سوء کارکرد سازمانها و نهادهای سطح کلان در انجام و اجرای تعهدات و وظایف آنان در قبال حقوق مادی و اجتماعی افراد، خانوارها، گروههای اجتماعی و جامعه بعنوان یک کل است که ریشه‌ها (عوامل خطر زا) و آثار و تبعات منفی آن در هر اجتماع معین باقی میماند و بطور بین نسلی منتقل میشود. بر این اساس، هرگونه تلاش موثر برای خلاصی افراد و گروههای مطرود یا در معرض خطر طرد و به حاشیه راندگی، مستلزم برنامه ریزی کلان و همه شمول دولتها جهت رفع موانع موجود و ایجاد شرایط مناسب برای ادغام اجتماعی یا داشتن هر آنچه بطور مادی یا اجتماعی برای زندگی سالم و عادی در یک جامعه لازم است و گسترش جریان عدالت توزیعی و سهم‌سازی همگان در جریان اصلی توزیع منابع، فرصتها و شانسهای زندگی میباشد.

پیشنهادهات :

- ۱- بررسی مقطعی و طولی مستمر روی ریشه‌ها و نشانه‌های طرد جوانان در ابعاد و سطوح مختلف مادی - فیزیکی و اجتماعی - فرهنگی، در مناطق مختلف (شهری و روستایی) برحسب سطوح توسعه اقتصادی - اجتماعی.
- ۲- برنامه ریزی شفاف با نگرش بلندمدت و نسلی برای تامین حقوق اساسی و رفاه پایه عموم شهروندان و مراقبت و حمایت از آنان در حوزه نیازهای اساسی (تغذیه، سلامت، مسکن، آموزش، اشتغال، ازدواج، تفریح و مشارکت)
- ۳- شناسایی و تامین رفاه و حمایت خاص از خانواده‌های پر خطر یا در معرض خطر طرد، من جمله خانواده‌های دارای فرزند/فرزندان زیر ۱۸ سال، محصل / دانشجوی بیکار، سرپرست بیکار یا بالای ۶۵ سال غیر بومی، در شرایط محرومیت مادی و مشکلات آسیبی و... (واقع در تله طرد و خطر انتقال دهی آن به فرزندان و نسلهای بعد).
- ۴- سیاست گذاری ادغام اجتماعی کامل و حمایت ویژه از جوانان گروه سنی ۱۸-۲۹ سال، در گذار دشوار به بزرگسالی و تعهدات اساسی آن (انتقال از آموزش به اشتغال، ازدواج، تشکیل خانواده و تهیه مسکن مستقل و ...)

۵- توجه به ابعاد ذهنی و اجتماعی - فرهنگی ادغام اجتماعی نوجوانان و جوانان برای جلوگیری از / مبارزه موثر با حاشیه زیستی اجتماعی - روانی و رفع احساس بیرون بودگی از جریان اصلی و اصیل زندگی فرهنگی - اجتماعی جامعه در میان آنان.

منابع

- حق وردیان، باقر (۱۳۸۵). "تبیین علل اجتماعی - فرهنگی فقر در منطقه نسیم شهر استان تهران"، پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته پژوهشگری، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی - زیر، مارتین. (۱۳۸۵). نظریه های جامعه شناسی طردشدگان اجتماعی؛ سیدحسن حسینی؛ نشر آن
- طالبی، ابوتراب. (۱۳۷۳). بیگانگی اجتماعی، پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته جامعه شناسی در دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی
- عباسی قادی، مجتبی. (۱۳۸۴). بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر بیگانگی اجتماعی جوانان: مطالعه نظری همراه با پژوهش پیمایشی در شهر تهران، پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته پژوهش اجتماعی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی
- Autio, Sari; Johanna Palovaara. (1998). "individual pathways and life management" Finland
- Dhillon , Navtej & Tarik Yousef (2003) . " inclusion : meeting the 100 million youth challenge , middle East youth" Dubai , Initiative , brookings Wolfensohn center for development , Dubai, school of government.
- Peace , Robin (2001). "Social exclusion: a concept in need of definition, New Zealand , social policy journal , issue 16; pages 17-35
- Paskell, Caroline ; (2004) " causes and effects of delinquent behavior and social exclusion" ;NATO-MMM conference, final paper , Slovak republic
- Salehi –Isfahani , Djavid ; Daniel Egel (2007). "Youth exclusion in Iran" , Brookings Wolfensohn center for development/ Dubai school of government.
- Silver , Hilary (2007). " social exclusion: comparative analysis of Europe and Middle east youth" Washington D.C : brookings Wolfensohn center for development / Dubai school of government)

- Silver, Hilary (2007).“ the process of social exclusion: the dynamic of an evolving concept”; USA, Brown university
- Silver , Hilary ;(1994) “social_exclusion”
- Silver , Hilary ;S.M. Miller(2006) “Social Exclusion: *The European Approach to Social Disadvantage*”



Social Exclusion of the youths; Dimensions and Indexes (case study: Tehran and Its Margins)

Maryam Ghazinejad

PH.D, Academic Member of the Social Sciences Dept. Alzahra university of thran.

This paper is adopted from a survey on the social exclusion of the youths in Iran aiming to study the theoretical literature of the subject and to assess the amount and dimensions of the social exclusion and its margins. The survey was administered on a sample including 1200 subjects. The modern concept of the social exclusion has created a research framework in the field of inequality, poverty and social deprivation. Based on the mentioned framework, the visible and invisible dimensions of the social exclusion of the at-risk groups including youths will be assessed in a wider scope and in more systematic and more systematic and more precise way.

In the social exclusion context, the excluded groups and regions are marginalized and excluded from the mainstream of the distribution of resources and social opportunities based on some (different) specific conditions of resources and social opportunities based on some (different) specific conditions, events, and

characterises in an accumulative and chronic way, so that their release from such a situation (i.e. from the exclusion trap) will be a trans- personal issue requiring corrective activities and combinational interventions at systemic and social level.

The findings and results of this research are presented in a descriptive and an analytic part in the paper. The mentioned findings and results show that approximately half of the teenagers and youths of the study (including both boys and girls) of Tehran and its margins stand at the risk of being marginalized and socially excluded in most part of their youth age (15-29 years old). This risk for the mentioned population is higher than average and currently the studied population live in the situation of objective and subjective chronic multiple limitations. The range of the subjective exclusion more than the objective exclusion. There is no significant relationship between the mentioned index and the risk variables (including the gender and the residence of the respondents) except for the variable of the age which shows a significant relationship with the subjective exclusion. In contrast, the objective exclusion has a significant relationship with the age and residence, though it has significant relationship with the variable of the gender.

Keywords: social Exclusion. Objective Exclusion, subjective Exclusion, youths and teenagers. Urban areas and Gender.